



رهتوشه

حمایت از تولید ملی و کالای ایرانی

مدیریت مطالعات و تحقیقات

حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی

اردیبهشت ۹۷

حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی

- نام کتاب : رهنوشهٔ حمایت از تولید ملی و کالای ایرانی
گردآوری و تدوین : مدیریت مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه
ناشر :
صفحه آرا : محمد جعفری
چاپ :
شمارگان :
شابک :

فهرست

- ۳ فلسفه گرایش به تولید ملی (مقدمه)
- ۶ مروری بر بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی (ع)
- ۱۸ استقلال اقتصادی در معارف قرآنی
- ۱۹ سیره ائمه اطهار (ع) در تعامل اقتصادی با دشمنان
- ۲۲ استقلال اقتصادی در اندیشه استاد مطهری
- ۲۴ استقلال اقتصادی در کشاورزی و دامداری
- ۲۷ قواعد فقهی حمایت از کالال داخلی
- ۲۹ مصرف کالای خارجی خلاف قاعده نفی سبیل...
- ۳۵ بررسی احکام فقهی خرید و فروش کالای قاچاق
- ۴۶ حمایت از تولید ملی در سیره علما و مفاخر
- ۵۳ هر یک از اقشار جامعه چه نقشی در تحقق شعار...؟
- ۵۵ بایدها و نبایدهای حمایت از کالای ایرانی
- ۶۲ چرا واردات کالاهای مشابه داخلی حرام است؟
- ۶۷ اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید داخلی در کشورهای...
- ۷۳ کوتاه و گویا در حمایت از کالای ایرانی

فلسفه گرایش به تولید ملی

مقدمه

آفریدگار متعال انسان را آفرید و جهان هستی را تحت تسخیر او قرار داد تا آدمی با استفاده از همه مواهب الهی - اعم از مادی و معنوی - راه رشد و کمال را در پیش گیرد و به سر منزل مقصود نائل گردد. از آنجا که انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است بنابراین تأمین نیازهای مادی، یکی از ضروریات زندگی بشری و لازمه تداوم حیات و بقای نسل اوست که باید با تلاش و جدیت کامل انجام شود. از سوی دیگر انسان موجودی اجتماعی است که به تنهایی نمی‌تواند همه نیازهای خود را برآورده سازد، اینجاست که به همکاری و همیاری دیگران احتیاج پیدا می‌کند و همین همکاری و همیاری است که اساس اجتماعات بشری را پی ریزی می‌کند.

تردیدی نیست که در میان نیازهای مادی و طبیعی بشر، «نیازهای اقتصادی» از مهم‌ترین و ضروری‌ترین نیازها محسوب می‌شوند که چاره‌ای جز برآورده‌سازی و رفع آن‌ها وجود ندارد. برای رفع نیازهای اقتصادی - و اصولاً هر نیازی - باید به دو اصل مهمّ زیر کاملاً توجه کرد :

- ۱- همکاری، همدلی و تعاون افراد یک جامعه با یکدیگر برای رفع نیازها؛
- ۲- مبارزه با کسانی که می‌خواهند از این نیازها سوء استفاده کنند و جامعه را تحت سلطه ظالمانه و منفعت طلبانه خود درآورند.

این موضوع باید در هر جامعه و عصری بر طبق شرایط زمانی و مکانی خاص خود انجام شود. مثلاً در زمانه ما و در جامعه بین‌المللی کنونی کشورهای قدرتمند و در عین حال سلطه جو و منفعت طلب جهانی سعی می‌کنند از نیازهای اقتصادی جوامع دیگر به عنوان یکی از اصلی‌ترین حربه‌ها برای تسلط بر آن جوامع و تحمیل فرهنگ و سیاست و اقتصاد خود بر آن‌ها بهره‌برداری نمایند.

این سیاست ظالمانه و منفعت جویانه می‌تواند صورت‌های مختلفی داشته باشد، صورت‌هایی چون: تحریم اقتصادی، تحریم علمی و فناوری، بستن راه‌های مواصلاتی و محاصره یک کشور، تبلیغات مسموم فرهنگی و اقتصادی، عرضه آسان و ارزان برخی کالاها، ضربه به تولیدات داخلی آن کشور و...

در این میان «ضربه به تولیدات داخلی یک کشور» از دیرباز یکی از راه‌های اصلی سلطه‌گران سیاسی و اقتصادی برای تسلط بر کشورهای دیگر بوده است که همواره سعی کرده‌اند با انواع شگردهای فرهنگی و تبلیغاتی و اقتصادی آن را اجرا نمایند. این شیوه هم اکنون در مورد کشور ما از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا در کشور ما سایر شیوه‌های فشار اقتصادی از سوی نظام سلطه‌گر جهانی تا آنجا که ممکن بوده امتحان شده اما به نتیجه دلخواه آنها نرسیده است، زیرا آن‌ها مشاهده کردند که با وجود همه تحریم‌ها و فشارها باز هم ملت سربلند ایران می‌تواند با ابتکار و تلاش و کوشش فراوان، اکثر نیازهای خود را در داخل تولید کند و همچنان استوار و پایدار باقی بماند؛ لذا «ضربه به تولیدات داخلی» یکی از سیاست‌های اصلی بیگانگان برای دستیابی به اهداف شوم‌شان می‌باشد.

بنابراین امروزه هر چیزی که تولید داخلی را تقویت کند - مانند مصرف کالاهای داخلی - موجب سربلندی و اقتدار ملی و اسلامی می‌شود و هرچه که تولید داخلی را تضعیف کند - مانند مصرف کالاهای خارجی - موجب سلطه بیگانگان و تضعیف بنیان‌های اقتصادی، فرهنگی، عقیدتی، اخلاقی و سیاسی جامعه می‌گردد.

این خلاصه‌ای است از فلسفه گرایش به تولید ملی و «کالای ایرانی» تا معلوم شود شعار «حمایت از کالای ایرانی» صرفاً یک شعار رایج سالانه نیست، بلکه برخاسته از یک شعور عمیق فکری، فلسفی، اعتقادی، و اقتصادی است که باید مبانی دینی، تاریخی و اقتصادی آن تا آنجا که ممکن است در جامعه تبیین شود تا ان شاءالله به عنوان یک سیاست بنیادین و سرنوشت ساز جهت اقتدار، سربلندی و پایداری هرچه بیشتر جامعه اسلامی جامه عمل به خود ببوشد و با تمام توان،

اجرای و کاربردی گردد.

بر این اساس، در این نوشتار سعی شده است به طور خلاصه و فراگیر مبانی شعار پرشعور سال بر پایه قرآن و روایات، منابع فقهی و سیره علما، اندیشه‌های امام و رهبری، نظرات کارشناسان، عملکرد سایر کشورها و... جهت دستیابی به اهداف بنیادین فوق، استخراج و تشریح شود.

مروری بر بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی (ع) درباره اقتصاد و تولید داخلی*

رهبر معظم انقلاب، در سال‌های اخیر، به مناسبت آغاز سال تازه، در حرم مطهر رضوی درباره اقتصاد و تولید داخلی، به نکات مهم و متعددی اشاره کرده‌اند. سرفصل‌های اقتصادی بیانات ایشان که حاوی خدمات، ظرفیت‌ها، رهاوردهای مادی و معنوی جمهوری اسلامی، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و مباحث دیگر است، ذیلاً تقدیم می‌گردد.

نمونه‌هایی از خدمات نظام جمهوری اسلامی به ملت ایران نسبت به قبل از انقلاب:

۱- در زمینه‌های زیرساختی :

گسترش راه‌های کشور: ۶ برابر

ظرفیت بنادر کشور: ۲۰ برابر

سدهای مخزنی کشور (تأمین‌کننده آب شرب و کشاورزی): ۳۰ برابر

تولید برق کشور: ۱۴ برابر

صادرات غیر نفتی کشور: ۵۷ برابر

تولید محصولات پتروشیمی: ۳۰ برابر

تولید محصولات فولادی: ۱۵ برابر

۲- در زمینه علم و فناوری :

تعداد دانشجویان: ۲۵ برابر

مقالات علمی: ۱۶ برابر

* - منبع: www.khamenei.ir

۳- در زمینه توسعه اجتماعی و انسانی :

«جمعیت کشور از اوّل انقلاب تا امروز دو برابر شده است. یعنی از حدود چهل میلیون به نزدیک به هشتاد میلیون رسیده است، اما آنچه اتفاق افتاده و آن کارهایی که در زمینه‌های مختلف انجام گرفته است، بحث دو برابر و سه برابر نیست، [بلکه] ارقام فوق‌العاده و بسیار چشمگیری است... در زمینه توسعه اجتماعی و انسانی، شاخص‌ها بسیار بالا است.»

۴- در زمینه خدمات :

«در زمینه خدمات، خدمت‌رسانی به مردم مثل برق و گاز و تلفن و آبادی روستاها، آمارها بسیار خوب و مؤثره‌بخش است.»

۵- در زمینه فعالیت‌های نظامی :

«در زمینه فعالیت‌های نظامی، آمارها فوق‌العاده است؛ کشوری که قبل از پیروزی انقلاب، از لحاظ نظامی وابسته محض به خارج از کشور بود - آن هم به دشمنانی مثل آمریکا - امروز از لحاظ پیشرفت‌های نظامی، آن‌چنان چشمگیر است که چشم دشمن را هم می‌زند، او را هم خشمگین و نگران و عصبانی می‌کند.»

نمونه‌هایی از ظرفیت‌های کشور :

۱- از لحاظ نیروی انسانی:

تعداد دانشجو: ۵ میلیون نفر

تعداد فارغ‌التحصیل: حدود ۱۰ میلیون نفر

تعداد جوان در سن کار (بین ۱۵ تا ۴۰ سال): ۳۳ میلیون نفر

۲- از لحاظ منابع زیرزمینی

«جمعیت کشور در حدود یک صدم جمعیت دنیا است اما تقریباً همه منابع

اصلی ما از یک صدم بیشتر است؛ بعضی دو صدم است، بعضی سه صدم است، بعضی پنج صدم است؛ یعنی ما از لحاظ منابع، دست‌مان باز است».

از لحاظ مجموع منابع نفت و گاز: رتبه اول در دنیا
از لحاظ منابع گاز: رتبه اول در دنیا

رهاوردهای انقلاب برای مردم در زمینه مسائل مادی

- ۱ - امنیت ملی
 - ۲ - عزت ملی
 - ۳ - سلامت عمومی
 - ۴ - رفاه عمومی
 - ۵ - اقتدار ملی
 - ۶ - پیشرفت همه‌جانبه
 - ۷ - استقلال از قدرت‌های سلطه‌گر جهانی
 - ۸ - شکوفایی استعدادها
 - ۹ - نجات یافتن از آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد، فساد و...)
- «ما برای ملت ایران امنیت ملی می‌خواهیم، عزت ملی می‌خواهیم، سلامت عمومی می‌خواهیم، رفاه عمومی می‌خواهیم؛ پیشرفت همه‌جانبه می‌خواهیم، استقلال از قدرت‌های سلطه‌گر جهانی می‌خواهیم، شکوفایی استعدادها می‌خواهیم، رها شدن و نجات یافتن از آسیب‌های اجتماعی - مثل اعتیاد و فساد و امثال این‌ها - می‌خواهیم؛ اینها را برای کشور می‌خواهیم؛ این‌ها چیزهایی است که ما در زمینه مسائل مادی برای کشورمان دنبال می‌کنیم و می‌خواهیم».

الزامات رسیدن به خواسته‌های انقلاب :

- ۱ - اقتصاد قوی، مطمئن و متکی به خود

۲ - اتحاد ملی

۳ - پیوند عمومی ملت با نظام

۴ - فرهنگ انقلابی

۵ - مسئولان شجاع، فعال و پُرکار

«بدون اینکه کشور یک اقتصاد قوی داشته باشد، این‌ها به دست نمی‌آید. نیاز ما اقتصاد قوی، تولید قوی، همراه با مدیریت قوی است؛ نیازمان این است: یک اقتصاد قوی و مطمئن و متکی به خود که دست‌مان به سمت دیگران دراز نباشد، بتوانیم انتخاب کنیم، بتوانیم حرکت کنیم، بتوانیم اقدام کنیم، بتوانیم روی قیمت نفت اثر بگذاریم، پول ملی را ارزشمند کنیم، قدرت خرید مردم را بالا ببریم؛ بدون یک اقتصاد قوی این‌جوری، نه به یک عزت مستمری خواهیم رسید، نه به یک امنیت مستمری خواهیم رسید؛ این چیزها را باید تأمین کنیم. اهمیت اقتصاد این است. و البته بدون اتحاد ملی هم به دست نمی‌آید؛ بدون پیوند عمومی ملت با نظام هم این خواسته‌ها به دست نمی‌آید؛ بدون فرهنگ انقلابی هم به دست نمی‌آید؛ بدون مسئولان شجاع و فعال و پُرکار هم این خواسته‌ها تأمین نخواهد شد. همه این‌ها را لازم داریم و باید تأمین کنیم و می‌توانیم تأمین کنیم.»

مؤلفه‌های اقتصاد قوی :

۱ - تولید قوی

۲ - مدیریت قوی

۳ - وابسته نبودن به دیگران

۴ - اثرگذاری بر قیمت نفت

۵ - ارزشمند کردن پول ملی

۶ - افزایش قدرت خرید مردم

خلأهای اقتصادی امروز کشور :

۱- بیکاری، بخصوص بیکاری جوانان تحصیل کرده

۲- سختی معیشت طبقات ضعیف

«آنچه امروز برای ما مشهود است و مقابل چشم‌مان می‌بینیم، [این است که] خلأهای اقتصادی ما خلأهای بزرگی است. یکی مسئله بیکاری است؛ بخصوص بیکاری جوانان و بخصوص بیکاری جوانان تحصیل کرده. این یک خلأ است، یک حفره است. این را باید تأمین کرد. مسئله معیشت طبقات ضعیف [مهم است]؛ ما اطلاعات را دائماً دنبال می‌کنیم و از وضع مردم در بخش‌های مختلف کشور مطلع می‌شویم؛ مردم از لحاظ معیشت دچار مشکلند. مسئله بیکاری هست، مسئله سختی معیشت هست؛ و مشکلات گوناگونی که در زمینه فرهنگی و اجتماعی به دنبال این‌ها می‌آید».

نتایج و آثار و فواید رونق تولید ملی :

۱ - اشتغال

«اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق بدهیم، اشتغال به وجود می‌آید و مشکل بیکاری - که یکی از مصیبت‌های امروز کشور ما بیکاری جوانان است و نرخ بیکاری، بالا است - برطرف خواهد شد یا کاهش پیدا خواهد کرد».

۲ - شکوفایی استعدادها و ابتکار جوان‌ها

«وقتی که بازار تولید گرم باشد و رونق داشته باشد، استعداد جوان‌ها شکوفا می‌شود و ابتکارهایی را به میدان می‌آورند».

۳ - مصرف نشدن ارز کشور برای کالاهای مصرفی

«مصرف نشدن ارز با اهمیت؛ که ارز کشور - که دارای اهمیت است - برای کالاهای مصرفی، مصرف نخواهد شد، هزینه نخواهد شد».

۴ - به کار افتادن پس اندازهای راکد

«به کار افتادن پس اندازهای راکد [برای] آنهایی که پس انداز دارند؛ اگر در کشور تولید رونق پیدا نکند، پس اندازهایی که راکد هستند، به گردش می افتند و خودشان برای کشور تولید ثروت می کنند».

۵ - جهش صادرات

«اگر تولید باشد، صادرات هم جهش پیدا خواهد کرد و باز برای کشور ایجاد ثروت و تولید ثروت خواهد کرد».

۶ - کم رنگ شدن مسابقه به رخ کشیدن مارک های خارجی

«امروز یکی از بلاهای اجتماعی و اخلاقی بزرگ ما این است که مارک های خارجی را به رخ هم می کشیم؛ این لباس، این کفش، این کیف، این محصول، مال فلان کارخانه معروف خارجی است. بنده به رخ دیگری می کشم، او به رخ دیگری می کشد؛ یک مسابقه ای در این مورد به راه می افتد؛ ما در واقع، این بلای فرهنگی و این مشکل فرهنگی را به وسیله رونق تولید می توانیم در کشور کم کنیم یا جلویش را بگیریم».

۷ - از بین رفتن یا کم شدن ناهنجاری های اجتماعی

«یکی از فواید تولید، از بین رفتن یا کم شدن مشکلات و ناهنجاری های اجتماعی است؛ بیکاری موجب فساد است؛ موجب تأخیر ازدواج است؛ موجب اعتیاد است؛ اگر بیکاری وجود نداشته باشد، این ها هم از بین می رود؛ تولید می تواند علاج این ها هم محسوب بشود».

۸ - ایجاد نشاط ملی

«خود تولید در کشور وقتی راه بیفتد، یک نشاط عمومی و ملی به وجود می‌آورد که این خودش یک عامل مهمی در پیشرفت کشور است».

۹ - استفاده از ظرفیت‌های معدنی کشور

«ظرفیت‌های معدنی کشور - که امروز متأسفانه خیلی در این زمینه عقب هستیم - به کار می‌افتد و می‌توانیم از منابع خدادادی که خدای متعال به این ملت بخشیده است، استفاده کنیم».

امکانات لازم برای تولید ملی:

۱- نیروی انسانی

«عرض کردیم که ۳۳ میلیون [نفر] از جمعیت کشور در سنین کارند؛ یعنی سن‌شان از پانزده سال تا چهل سال است. البته آن کسانی که توانایی کار دارند، بیشترند، یعنی از پانزده سال تا ۶۵ سال - که ۶۵ سال را مثلاً دوران از کارافتادگی به حساب می‌آورند - ۵۵ میلیون [نفر] جمعیتند اما آن که جوان محسوب می‌شود و می‌تواند در میدان کار فعالیت کند، لااقل ۳۳ میلیون نیروی کارند. ما ده میلیون تحصیل کرده دانشگاهی داریم، نزدیک به پنج میلیون دانشجو داریم؛ این‌ها ثروت است برای کشور. کسانی که مطلع بودند، به ما اطلاع دادند که تعداد متخصصین مهندسی در کشور ما جزو اولین ردیف‌های تعداد مهندسين در کشورهای دنیا - حتی در کشورهای پیشرفته و بزرگ - است؛ یعنی امکانات از لحاظ انسانی، این قدر بسیار است».

۲- سرمایه

«سرمایه؛ یکی از چیزهایی که برای تولید لازم است، سرمایه است. غالباً گفته می‌شود که ما سرمایه لازم برای اینکه تولیدکننده را بتوانیم به تولید وادار کنیم

نداریم؛ بنده این را قبول ندارم. علاوه بر امکانات شخصی - که اشخاص خودشان امکاناتی دارند - دولت توانسته است صندوق توسعه ملی را به وجود بیاورد... این صندوق برای این است که به بخش خصوصی - یعنی به تولیدکننده‌ی داخلی - پول بدهد و به او توانایی بدهد تا بتواند کار تولید را راه بیندازد؛ این شد سرمایه».

۳- ابزار کار پیشرفته

«ابزار کار؛ بعضی می‌گویند ما ابزارهای مدرن نداریم، ابزارهای پیشرفته نداریم؛ بنده عرض می‌کنم: ... جوانی که می‌تواند آن جور موشک درست کند، آن جور هواپیما درست کند، آن جور سلاح نظامی درست کند، سلاح پیشرفته درست کند، دشمن را بترساند، می‌تواند غنی‌سازی اورانیوم را از سه‌ونیم درصد به بیست درصد برساند، این جوان نمی‌تواند ماشین را برای تولید خودرو یا فلان موضوع دیگر پیشرفت بدهد و پیش ببرد؟ چرا نمی‌تواند؟ جوان ما توانایی‌اش را دارد؛ نیروی انسانی ما، مغز متفکر و فعال جوان با سواد و با استعداد و تحصیل کرده‌ی ایرانی، آماده است برای این کارها؛ خیلی کارها را می‌توانیم انجام بدهیم. میدان را باز کنیم برای جوان‌ها، جوان‌ها بسیاری از گره‌های بزرگ و مشکل ما را می‌توانند حل کنند و باز کنند».

الزامات رونق تولید ملی:

«الزاماتی هم هست؛ یک وظایفی است که همه ما باید به عهده بگیریم. هم احاد ملت، هم مسئولین دولتی، هم مسئولین قضائی، هم مسئولین قوه مقننه یک وظایفی دارند، الزاماتی دارند؛ این الزامات را اگر انجام بدهند، تولید رونق می‌گیرد».

۱ - مدیریت کارآمد و متعهد و متدین

«یکی از الزامات، مدیریت کارآمد و متعهد و متدین است. مسئولان بالای

کشور، برای بخش‌هایی که به تولید ارتباط پیدا می‌کند، مدیریت‌های کارآمد بگذارند؛ مدیریت‌های بانشاط، با حال؛ مدیریت‌های علاقه‌مند، پُرانگیزه، قوی. یکی از الزامات این است که [این] دستِ مسئولان ارشد کشور است».

۲- دخالت دادن مردم در کار تولید

«یکی از کارها، دخالت دادن مردم در کار تولید است؛ مردم باید در کار تولید [دخالت داده بشوند]. ما سیاست‌های اصل ۴۴ را که چند سال پیش ابلاغ کردیم، همه کسانی که در مسائل اقتصادی صاحب‌نظر بودند گفتند این یک انقلاب در کار سیاسی است؛ خب همین را دنبال کنند؛ مردم را دخالت بدهند».

۳- گسترش صادرات و طرف‌های صادراتی

«یکی از الزامات، صادرات است که مسئولین دولتی باید فعال بشوند. گزارشی به دست من رسید از مسئولین دولتی که متأسفانه عمده صادرات کشور ما بلکه عمده معاملات تجاری ما از صادرات و واردات، با پنج یا شش کشور است؛ خب این خطا است، این خلاف اقتصاد مقاومتی است. ما در بندهای اقتصاد مقاومتی روی این هم تکیه کرده‌ایم. یکی از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی همین است؛ گسترش صادرات و گسترش طرف‌های صادراتی ما. اینکه ما به پنج کشور یا شش کشور اکتفا نکنیم و خودمان را محدود نکنیم [صحیح نیست]، این تحرک مسئولین را لازم دارد؛ چه در سیاست خارجی، چه در بخش‌های دیگر».

۴- امنیت سرمایه‌گذاری

«یکی دیگر، امنیت سرمایه‌گذاری است؛ که این کار ضابطین قوه قضائیه و کار نیروهای امنیتی است؛ باید کاری کنند که امنیت سرمایه‌گذاری محفوظ باشد».

۵ - ثبات سیاست‌ها

«یکی از کارهای مهم، ثبات سیاست‌ها است؛ قوانین، قوانین دائماً در تغییر نباشد؛ که این کار، کار مجلس شورای اسلامی است. اولاً مقررات و زوائد دست‌وپاگیر را بردارند، ثانیاً ثبات در قوانین ایجاد کنند و هر روز یک قانون جدیدی نیاورند که نتواند [سرمایه‌گذاری شود]».

وظیفه مردم در زمینه تولید داخلی:

۱ - احساس مسئولیت آحاد مردم در مسئله تولید داخلی

«یکی از مسائل بسیار مهم در مسئله تولید داخلی، احساس مسئولیت آحاد مردم است. حالا بنده طرف مردم، من خواسته‌های مردم و مطالبات مردم را عرض می‌کنم، اما این را هم مردم عزیز ما بدانند که کار، فقط به عهده مسئولین نیست، [بلکه] کار به عهده خود مردم هم هست».

۲ - مصرف تولید داخلی و پرهیز از خرید کالاهای خارجی

«اینکه ما روی تولید داخلی تکیه می‌کنیم، خوب حتماً مصرف داخلی هم مورد توقع است. چرا مردم به مصرف تولیدات داخلی کم‌توجهی می‌کنند! البته خوشبختانه در این اواخر یک کارهایی دارد انجام می‌گیرد؛ بعضی از فروشگاه‌ها فقط تولید داخلی را عرضه می‌کنند. مصرف‌کننده ایرانی برای آن چیزهایی که در داخل تولید می‌شود، ارجحیت قائل باشد و دنبال اسم خارجی و مارک خارجی و نام خارجی ندوند؛ یکی از توقعات این است».

۳ - دنبال کار بودن جوان‌ها و پرهیز از بی‌حالی و بی‌مسئولیتی

«یکی از توقعات این است که جوان‌های عزیز ما واقعاً دنبال کار باشند و بی‌حالی و بی‌مسئولیتی وجود نداشته باشد».

۴ - بدبینی ایجاد نکردن نسبت به تولید داخلی در صادرات

«یکی از کارهایی که واقعاً بر عهدهٔ عموم مردم است، همین مسئلهٔ احساس مسئولیت است؛ باید احساس مسئولیت بکنند. یک نمونه از بی‌مسئولیتی، این است که در کار برخی از اجناس و اقلام صادراتی - که در این زمینه به ما خبر می‌رسد - بعضی از صادرکننده‌ها کاری می‌کنند که آن مشتری بیرون کشور را نسبت به تولید داخلی ما بدبین می‌کنند؛ مثل اینکه فرض کنید ما در جعبهٔ پرتقال، آن [اردیف] رو، پرتقال درشت و خوب بچینیم، آن زیر پرتقال پوسیده و ریز بگذاریم».

۵ - ورود کارآفرینان به میدان تولید و کار

«بنده از کارآفرینان کشور دعوت می‌کنم که وارد میدان تولید و کار بشوند و ان‌شاءالله در این زمینه کار انجام بدهند».

دو مسئلهٔ مهم در زمینه رونق تولید داخلی :

۱ - جلوگیری از واردات کالاهایی که یا در داخل تولید می‌شود یا

قابل تولید کردن است

«واردات کالاهایی که در داخل به‌قدر کافی تولید می‌شود، بایستی به‌صورت یک حرام شرعی و قانونی شناخته بشود؛ آنچه در داخل تولید می‌شود، از خارج وارد نشود. اینکه ما نگاه کنیم ببینیم کالاهای مصرفی ما، از خوراک گرفته تا پوشاک، تا وسایل منزل، تا کیف و کفش بعضی از بانوان، تا وسایل مدرسه و دفتر و قلم و امثال این‌ها از خارج بیاید، این مایهٔ شرمندگی است!

...بعضی از اجناس اساسی هست که در داخل قابلیت تولید دارد اما در عین حال وارد می‌شود، در حالی که می‌شود در اینجا تولیدش کرد؛ ولو امروز نداریم و امروز تولید نمی‌شود اما قابل تولید کردن است. بنده چند سال قبل از این شنیدم که علوفه را وارد می‌کنند. گفتیم خب علوفه که وارد کردنی نیست، با این همه

مراعات و مزارع و مانند این‌ها؛ گفتند علوفه احتیاج به فلان جنس دارد که این جنس در داخل کشور تولید نمی‌شود. گفتیم خب تولید کنید!».

۲- مبارزه با باندهای قاچاق

«قاچاق کالاها بسیار مهم است. گفته می‌شود ۱۵ میلیارد دلار صرف قاچاق می‌شود؛ این عدد، حداًقلی است که امروز گفته می‌شود؛ این خیلی رقم بالایی است؛ تا ۲۰ میلیارد و ۲۵ میلیارد هم گفته می‌شود! این‌ها ضربه به اقتصاد کشور است؛ جلوی قاچاق باید گرفته بشود. البته آن کسانی که مسئول مبارزه با قاچاقند، سوراخ دعا را گم نکنند! ما می‌گوییم بروید با باندهای قاچاق مبارزه کنید... اینکه بروند در بازار رضای مشهد سراغ فلان فروشنده انگشتر نقره که «تو قاچاق وارد کردی» یا دم مرز، مثلاً فرض کنید [بروند سراغ] فلان خانواده را که با یک مختصر جنس کوچکی که از این طرف مرز به آن طرف [می‌برد]، زندگی‌اش دارد می‌گذرد، مسئله این‌ها نیست؛ مسئله، آن حرکت عظیم قاچاق است».

استقلال اقتصادی در معارف قرآنی*

برخی بر این باورند که نیازهای کنونی جوامع راهی برای استقلال باقی نمی‌گذارند،^۱ حال آنکه استقلال به معنای قطع رابطه با کشورها نبوده و چنین استقلالی در جهان امروز ممکن نیست، لذا استقلال اقتصادی به معنای «نفی تسلط و اقتدار بیگانگان» می‌باشد و قابل تأمین است.

استقلال اقتصادی از برخی آیات برداشت می‌شود. بر اساس آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا...» (نساء، ۱۴۱) جامعه و دولت اسلامی باید از هر کاری که راه نفوذ کافران و بیگانگان را برای سلطه بر مسلمانان هموار کند، خودداری کنند و یکی از راه‌های نفوذ آنان نیازمندی‌های اقتصادی است.^۲ نیز از آیات مربوط به عزت مسلمانان^۳ (نساء، ۱۳۹؛ فاطر، ۱۰)، وصف جامعه اسلامی با جمله «فَاسْتَعْلَظْ فَاَسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ» که به معنای نیرومندی و بر پای خود ایستادن است^۴ (فتح، ۲۹) و عدم سلطه کافران بر مسلمانان (آل عمران، ۲۸، ۱۱۸؛ مائده، ۵۱ - ۵۲) لزوم استقلال اقتصادی و قطع وابستگی به بیگانگان استفاده می‌شود.^۵

* - دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۴، ص ۳۹۶

۱ - فرهنگ استقلال، ص ۵۶ - ۶۸.

۲ - القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۰۴ - ۲۰۵؛ المنیر، ج ۷، ص ۵۱۲ - ۵۱۳.

۳ - القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۱۹۲؛ فقه سیاسی اسلام، ص ۳۲۵ - ۳۲۹.

۴ - تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۱۶، ۱۱۷؛ المنیر، ج ۲۶، ص ۲۰۷ - ۲۰۸.

۵ - پیام‌های اقتصادی قرآن، ص ۱۳۴ - ۱۳۸.

سیره ائمه اطهار (ع) در تعامل اقتصادی با دشمنان

نگاهی به سیره ائمه اطهار (ع) نیز نشان می‌دهد که آن حضرات از هر نوع معامله و روابط اقتصادی که موجب تقویت دشمنان اسلام بشود نهی فرموده‌اند، هر چند در این معاملات به برخی از مسلمان‌ها نیز سودی برسد. واضح است که در واردات و مصرف اجناس خارجی برخی از تجار داخلی و مسلمان نیز سود می‌برند، اما ضررهای کلان و فراگیری که از این معاملات حاصل می‌شود مانند تقویت بنیه اقتصادی بیگانگان، تضعیف اقتصاد داخلی، بیکاری و ورشکستگی فراوان صنایع داخلی، سلطه فرهنگی و سیاسی بیگانگان و... بسیار فراتر از منافع شخصی است که نصیب برخی تجار و بازرگانان می‌شود. در این رابطه می‌توان به ماجرای صفوان جمال که از اصحاب خاص امام کاظم (ع) بود، اشاره کرد:

«... ابومحمد صفوان بن مهران اسدی کاهلی مشهور به «صفوان جمال (شتردار)»، از فقها و محدثان برجسته شیعه و معاصر با امام ششم و امام هفتم و از اصحاب مورد وثوق این دو امام بود، اما به سبب آرزوی کوچکی که در دل داشت از سوی امام کاظم (ع) به جهنمی شدن تهدید شد!

صفوان بارها امام صادق (ع) را از مدینه به کوفه آورد و با آن حضرت به زیارت امیرالمؤمنین علی (ع) نائل شد و می‌توان گفت از اصحاب خاصه آن بزرگواران به حساب می‌آمد.

لیکن امام موسی کاظم (ع) به خاطر یک رفتار اقتصادی اشتباه او - که در ظاهر نیز معصیتی در آن وجود نداشت - او را به شدت توبیخ کرده از گرفتار شدن در عذاب الهی بر حذر داشت.

صفوان، شترهای زیادی داشت که از کرایه دادن آن‌ها، زندگی خود را

می‌گذراند و از همین جهت به او «جمّال» می‌گفتند. روزی خدمت امام موسی (ع) رسید؛ آن حضرت به او فرمود: همه چیز تو خوب و نیکوست جز یک چیز! پرسید: «فدایت شوم! آن چیست؟» امام فرمود: «اینکه شتران خود را به این مرد (یعنی هارون، خلیفه وقت عباسی) کرایه می‌دهی». صفوان گفت: «من از روی حرص و شکم‌سیری و لهو، چنین کاری نمی‌کنم. چون او به حج رفته است شتران خود را به او کرایه داده‌ام. خودم هم خدمت او را نمی‌کنم و همراهش نمی‌روم، بلکه غلام خود را همراه او می‌فرستم».

امام فرمود: «آیا از او کرایه طلب داری؟» گفت: «آری!» امام فرمود: «آیا دوست داری او زنده بماند تا کرایه‌ات به تو برسد؟» صفوان گفت: «آری!» حضرت فرمود: «کسی که دوست داشته باشد بقای آن‌ها را، از آنان خواهد بود و هر کس که از آنان باشد، جایگاهش دوزخ خواهد بود».^۱

صفوان جمال پس از این گفت و گو با امام کاظم (ع) همه شتران خود را فروخت. وقتی این خبر به هارون‌الرشید رسید، او را خواست و به او گفت: «به من گزارش داده‌اند که تو شترهای خود را فروخته‌ای! چرا این کار را کردی؟» صفوان گفت: «چون پیر و ناتوان شده‌ام و غلامانم هم از عهده این کار بر نمی‌آیند». هارون گفت: هرگز! می‌دانم که تو به اشاره موسی بن جعفر شتران خود را فروختی. اگر حق مصاحبتت با من نبود، تو را می‌کشتم.

آن‌گونه که از محتوای این روایت برمی‌آید، هرگونه تعامل اقتصادی با دشمنان جامعه اسلامی ولو در راه حج بیت الله الحرام!، موجبات سقوط فرد در آتش دوزخ را فراهم می‌نماید.

حال سؤال اینجاست که آیا افرادی که از کالاهای تولیدی شرکت‌های متعلق به کشورهای تحریم‌کننده ایران اسلامی استفاده می‌کنند؛ آرزوی بقای آن شرکت‌ها برای استفاده از گارانتی کالای خرید شده خود را ندارند؟ و آیا عملاً با خرید اجناس خارجی در شرایط تحریم، موجبات قوی‌تر شدن دشمنان ملت ایران

۱ - رجال، کشی، ج ۲، ص ۷۴۰.

و جامعه اسلامی را فراهم نکرده‌اند؟ حال اینکه جناب صفوان جمال در معامله مذکور؛ فروشنده و طرف سود برنده بوده است؛ نه خریدار و طرف پرداخت کننده پول!

یقیناً اگر مفاهیم عالی موجود در روایت مذکور مبنای رفتارهای اقتصادی دولت و عموم افراد جامعه قرار گیرد؛ جامعه ایرانی تا حد زیادی در برابر سیاست تحریم اقتصادی دشمنان بیمه خواهد شد. حاکمیت چنین فرهنگی باعث روی آوردن جامعه اسلامی به استفاده از کالاهای داخلی و حمایت همه جانبه از تولیدکننده ایرانی خواهد گردید.

استقلال اقتصادی در اندیشه استاد مطهری*

استقلال اقتصادی یکی از ارکان مهم استقلال حقیقی هر جامعه است که بدون آن هرگز یک جامعه از وابستگی به بیگانگان نمی‌تواند رهایی یابد. جناب استاد شهید مطهری با انتقاد شدید از وابستگی اقتصادی و مصرف اجناس بیگانگان خصوصاً در زمینه محصولات کشاورزی چنین می‌فرماید:

«اما استقلال اقتصادی؛ جریان اقتصاد در یک کشور به دو حالت ممکن است باشد:

یکی این که مستقل باشد و دیگر این که جنبه وابستگی داشته باشد و اقتصاد آن کشور وابسته به اقتصاد کشور دیگر باشد.

اگر یک بحران مثلاً یک نوسان در وضع پولی آن کشور پیدا شود در این جا هم اثر می‌گذارد؛ محکوم است که مصرف‌کننده تولیدات آن کشور باشد؛ محکوم است که خودش تولید نکند برای این که تولید او به مصرف برسد؛ همین طوری که ما دیدیم ایران محکوم بود که کشاورزی خودش را تقلیل بدهد برای این که از آنجا گندم یا شکر وارد کند. محکوم بود به این که دامداری خودش را تقلیل بدهد. مرتع‌های مختلف را تملک می‌کردند تحت این عنوان که اینجا شکارگاه است؛ آنجا منطقه ممنوعه است و... محکوم بود به این که دامداری را تقلیل بدهد برای این که گوشت‌های دیگران را از جاهای دیگر وارد کند.

این، معنی یک اقتصاد وابسته است. بعد یک مرتبه به حالتی در بیاید که ما در روزنامه‌ها خواندیم؛ گاهی گفتند نود درصد، گاهی گفتند نود و پنج درصد مواد غذایی این کشور از خارج وارد می‌شود. دیدیم از سیخ تا سوزن باید از خارج وارد

* - مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۴، ص ۲۳۹.

شود. این، بردگی و اسارت و اقتصاد وابسته بود. نان ما را آنها باید بدهند...
وقتی کشوری می‌خواهد روی پای خودش بایستد خودش برای خودش
تصمیم می‌گیرد.... یک وقت تصمیم می‌گرفتند خشخاش کشت نشود، هزار تا
فلسفه هم برایش درست می‌کردند. وقت دیگر می‌گفتند خشخاش کشت بشود،
باز فلسفه دیگری برایش درست می‌کردند. این ما نبودیم که تصمیم می‌گرفتیم؛
دیگران تصمیم می‌گرفتند. مثلاً به ترکیه می‌گفتند تو خشخاش بکار، و در عوض
امتیازی که می‌خواستند به ترکیه بدهند به ایران می‌گفتند تو خشخاش نکار.
ایران مجبور بود تبعیت کند. این، معنای عدم استقلال اقتصادی است.»

استقلال اقتصادی در کشاورزی و دامداری

در تفسیر نمونه پس از اشاره به منافع فراوان کشاورزی و دامداری به موضوع استقلال اقتصادی خصوصا در این دو زمینه اشاره شده است :

«... وَ الْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَ مَنَافِعُ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ وَ لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ وَ تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بِالْغِيَةِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرؤُوفٌ رَحِيمٌ وَ الْخَيْلَ وَ الْبِغَالَ وَ الْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَ زِينَةً وَ يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (سوره نحل (۱۶)، آیات ۵ تا ۸)

«و چهار پایان را آفرید در حالی که برای شما در آن‌ها وسیله پوشش و منافع دیگر است و از گوشت آن‌ها می‌خورید. و در آن‌ها برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که به استراحت‌گاه‌شان باز می‌گردانید و هنگامی که [صبحگاهان] آنها را به صحرا می‌فرستید. آن‌ها بارهای سنگین شما را به شهری که جز با مشقت زیاد به آن نمی‌رسید حمل می‌کنند، چرا که پروردگارتان رؤف و رحیم است. او همچنین [اسب‌ها و استرها و الاغ‌ها را آفرید تا بر آن‌ها سوار شوید و هم مایه زینت شما باشد و چیزها (وسائل نقلیه دیگری) می‌آفریند که شما نمی‌دانید!».

اهمیت دامداری و کشاورزی

حتی امروزه که دستگاه‌های صنعتی آن قدر گسترده شده که همه چیز را تحت الشعاع قرار داده باز دامداری و کشاورزی مهمترین بخش تولیدی زندگی انسان را تشکیل می‌دهد، چرا که می‌دانیم پایه اصلی تغذیه در این دو قسمت نهفته است، و به همین دلیل رسیدن به حد خودکفایی در دامداری و کشاورزی نه تنها ضامن استقلال اقتصادی است، که استقلال سیاسی نیز تا حد زیادی به آن مربوط است.

بنا بر، این جای تعجب نیست که تمام ملت‌های دنیا کوشش می‌کنند که کشاورزی و دامداری خود را تا سر حد امکان توسعه دهند و از صنایع مدرن در این جهت کمک بگیرند.

نیاز به این دو، تا آن حد اساسی است که گاه کشورهای به اصطلاح ابر قدرتی همچون روسیه برای رفع نیازمندی خود در این زمینه ناچار می‌شوند با دادن امتیازهای سیاسی دست نیاز خود را به سوی کشورهایی که درست در قطب مخالفند دراز کنند! و به همین جهت در اسلام و تعلیمات حیات آفرین آن اهمیت فوق‌العاده زیادی به مسئله دامداری و کشاورزی داده شده است.

در آیات فوق دیدیم که با چه لحن تشویق آمیزی از موضوع دام‌ها سخن می‌گوید و منافع آن‌ها را اعم از منافع غذایی و پوششی بر می‌شمرد و حتی رفت و آمد آن‌ها را به صحرا با تعبیر زیبایی که بسیار شوق‌انگیز است بیان می‌کند. همچنین درباره اهمیت زراعت و میوه‌های مختلف، و کشاورزی به طور کلی، در آیات و روایات فراوانی سخن به میان آمده است.

در روایات اسلامی در زمینه دامداری و کشاورزی تعبیرات جالبی دیده می‌شود. به عنوان نمونه به چند روایت اشاره می‌کنیم:

۱- پیامبر (ص) به یکی از بستگانش فرمود: چرا در خانه‌ات «برکت» نمی‌آوری؟ عرض کرد: منظورتان از برکت چیست؟ فرمود: «گوسفند شیرده!» سپس اضافه فرمود:

«هر کس در خانه خود گوسفند شیرده یا گاو ماده داشته باشد سر تا پا برکت است.»^۱

۲- در اهمیت زراعت همین بس که امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید:

«مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَاباً ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ»

«هر کس آب و خاکی داشته باشد و با این حال فقیر باشد، خدا او را از

۱ - بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۶۸۶، ط قدیم.

رحمت خویش دور کند»^۱.

بدیهی است این گفتار بزرگ همان گونه که درباره یک فرد صادق است درباره یک ملت نیز صدق می‌کند، مردمی که آب و خاک به قدر کافی دارند، باز هم نیازمند به دیگران هستند، مسلماً از رحمت خدا دورند!

۳ - نیز از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود:

«علیکم بالغنم و الحرث فانهما یروحان بخیر و یغدوان بخیر»^۲
«وظیفه شماس است که به تربیت گوسفند و کشاورزی بپردازید که پیوسته در آن هر دو خیر و برکت است».

واضح است که واردات بی رویه و مصرف محصولات خارجی کشاورزی و دامداری بر خلاف همه آموزه‌های قرآنی و روایی فوق است و علاوه بر وابستگی به کشورهای دیگر خسارات اقتصادی و فرهنگی فراوانی به شاغلین این بخش‌ها و حتی عموم مردم وارد می‌کند.

۱ - بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۹.

۲ - بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۰۴؛ تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۱۶۳.

قواعد فقهی حمایت از کالای داخلی

در راستای تحقق شعار لزوم حمایت از کالای ایرانی، سؤالاتی در گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدتقی قادری، از اساتید سطوح عالی و درس خارج حوزه علمیه قم، مطرح شده است که در زیر می‌آید :

قواعد فقهی لزوم حمایت از کالای ایرانی چیست؟

استاد قادری : بر اساس قواعد فقه اجتماعی، خرید تولید داخلی نه تنها لازم، بلکه واجب است. برای روشن شدن چگونگی تطبیق قواعد فقهی بر این موضوع، به تحلیل چند قاعده فقهی که مبتنی بر آیات و روایات است می‌پردازیم.

قاعده اول : «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» است. در صورتی است که احراز شود کالای ایرانی دارای کیفیت مساوی یا بالاتر از کالای خارجی است و خرید کالای خارجی هر چند برای شخص ضرر نداشته باشد، ولی چون ضرر اجتماعی دارد و موجب بیکاری جوانان و تعطیلی تولید داخلی می‌شود، طبق این قاعده، خرید کالای ایرانی لازم است.

قاعده دوم : قاعده «نفی سبیل» و آیه مبارکه «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» است. این نیز در صورتی است که احراز شود کالای ایرانی با کیفیت مساوی یا بالاتر وجود دارد و خرید کالای خارجی موجب استیلای سیاسی و اقتصادی و نظامی بیگانگان بر کشور می‌شود و آنان با استفاده از این ضعف، فشار خود را بیشتر می‌کنند. طبق این قاعده، خرید کالای ایرانی جهت نفی سلطه لازم است.

قاعده سوم : آیه مبارکه «تعاونوا على البر والتقوى و لاتعاونوا على الاثم و العدوان» است. با توجه به این آیه، در شرایطی که خرید کالای بیگانه موجب بیکاری

جوانان ایرانی و افت تولید داخلی یا تعطیلی کارخانجات شود، چون چنین خریدی کمک به دشمنان و ترویج صدها مفاسد داخلی می‌شود، قطعاً خرید خارجی حرام و خرید داخلی لازم خواهد بود.

قاعده چهارم : «مصلحت نظام» است؛ بدین معنا که اگر احراز شود مصلحت اقتصادی و سیاسی و نظامی کشور به گونه‌ای است که راهی جز افزایش تولید داخلی ندارد، طبیعی است مصلحت در این مرتبه مولد حکم و جوبی برای خریداران و بالا بردن کیفیت کالا در جهت رقابت با کالای خارجی برای تولید کنندگان داخلی است.

قاعده پنجم : «حکم حکومتی» است؛ یعنی اگر احراز شود بیانات مقام معظم رهبری در خرید کالای داخلی امر ارشادی و توصیه‌ای نیست، بلکه امری حکومتی است، طبیعی است به حکم «اطیعوا الله واطیعوا الرسول و اولوا الامر منکم» همه موظفانند کالای داخلی را خریداری کنند. تولید کنندگان نیز وظیفه دارند با بالا بردن کیفیت، زمینه جذب مشتریان داخلی را فراهم کنند.

قاعده ششم : «اهمّ و مهمّ» است. اگر امر دایر مدار منافع شخص خریدار و منافع اجتماع باشد، به این معنا که خرید کالای خارجی به دلیل داشتن کیفیت بالاتر، منافع خریدار را تضمین کند، ولی خرید کالای داخلی موجب رونق کسب و کار و اشتغال جوانان شود، در چنین موردی اگر نگوئیم خرید کالای داخلی واجب است، قطعاً رجحان دارد.

آیا فقه سنتی، توانایی تئوریزه کردن شعار حمایت از کالای ایرانی را دارد؟
استاد قادری : بنابر توضیحاتی که داده شد با اندک تأملی می‌توان یافت که قواعد فقهی، توانایی تئوریزه کردن شعار امسال که خرید ما باید داخلی باشد را دارد؛ یعنی بر اساس فقه می‌توان به لزوم حمایت از کالای ایرانی پی برد.*

* - منبع : شبکه اجتهاد.

مصرف کالای خارجی خلاف قاعده نفی سبیل و موجب سلطه بیگانگان است

آیت‌الله علی‌اکبر رشاد، مؤسس و رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در ابتدای درس خارج روز شنبه مورخ ۱۸ فروردین ماه ۱۳۹۷ در حوزه علمیه امام رضا (ع) در مورد شعار امسال و استفاده از محصولات و کالاهای ایرانی سخنانی مطرح کرد که در ادامه می‌خوانید.

اکنون مفهوم قدرت و استقلال تغییر کرده است. طی دهه‌های اخیر، «قدرت نرم» جایگزین «قدرت سخت» شده است؛ امروز اقتدار به معنی برخورداری از قدرت نظامی نیست، اقتدار و استقلال فرهنگی و نفوذ نرم کشورها، قدرت واقعی آنها را تشکیل می‌دهد. اقتصاد هم برآیند فرهنگ و نتیجه علم است. مصرف کالای خارجی به معنی وابستگی است. امروزه قدرت‌های مسلط به رقبای قوی‌تر خود حمله نظامی نمی‌کنند بلکه از سلاح تحریم اقتصادی و امتناع از ارائه اطلاعات یا علم مورد نیاز طرف‌های درگیر خود استفاده می‌کنند. به همین جهت مصرف کالای خارجی مساوی است با زیر سلطه رفتن، و در فقه، سلطه پذیری حرام و سلطه پذیری نسبت به کفار از حرمت مضاعف و شدیدتر برخوردار است؛ چه آنکه سلطه‌پذیری بر خلاف قواعد فقهیه مختلف از جمله قاعده نفی سبیل است.

اصولاً نوع مصرف و نوع کالاهای مصرفی فرهنگ‌ساز و گرانیگاه (مرکز ثقل) سبک زندگی است. علاوه بر این، مصرف کالای بیگانه گاه مستلزم «تشبه به کفار» است، چون موجب تغییر فرهنگ بومی و اسلامی و سلطه فرهنگی کفار می‌شود که حرام شرعی است ...

... در این میان، اقتصاد، فرهنگ و سبک زندگی نقش فوق‌العاده دارد. اینجاست که قواعد مترقی‌ای مثل قاعده نفی سبیل باید مورد توجه قرار گیرد.

قاعده نفی سبیل که حسب تفسیر مفسران، با همه آراء و انظار متفاوت و مختلفی که در ذیل این آیه دارند، می‌گوید: خداوند متعال هیچ طریق سلطه‌ای برای کافرین نسبت به مؤمنین قرار نداده. آیه می‌فرماید: «وَلَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) که به همین اعتبار هم قاعده نفی سبیل نام گرفته و این نام از آیه اصطیاد (اخذ) شده.

بعضی گفته‌اند که «لَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ» ناظر به جعل تکوینی است؛ یعنی خداوند متعال به نحو تکوینی راهی را بر سلطه کفار نسبت به مؤمنین قرار نداده. تکویناً هیچ‌گاه ممکن نیست، خلاف اراده و مشیت الهی است که کفار بر مؤمنین مسلط شوند.

بعضی گفته‌اند که مراد از این آیه، سلطه تشریحی است. ممکن است تکویناً روزی کفار بر مؤمنین غالب باشند، اما خداوند این غلبه و سلطه را مشروع نمی‌داند و چنین غلبه و تسلطی را تشریح نفرموده است.

بعضی گفته‌اند که این به مفهوم بسته بودن راه غلبه معرفتی و احتجاجی است؛ یعنی به لحاظ معرفتی هرگز کفار بر مؤمنین غلبه نمی‌کنند.

اما به نظر می‌رسد که با شرایط جدید و آنچه اشاره شد دیگر تفصیل بین انواع سلطه معنی ندارد. سلطه تو در تو و لایه‌لایه و ذو وجوه است و ابعاد و ساحات مختلف دارد. هر یک از این‌ها اگر اتفاق بیفتد بقیه هم اتفاق خواهد افتاد. یعنی اگر سلطه سیاسی اتفاق بیفتد، سلطه اقتصادی هم اتفاق می‌افتد؛ سلطه اقتصادی اتفاق بیفتد، سلطه سیاسی هم اتفاق می‌افتد؛ سلطه فرهنگی رخ بدهد، سلطه سیاسی هم رخ داده؛ وقتی سلطه فرهنگی رخ بدهد، عملاً سلطه فکری و معرفتی هم اتفاق افتاده.

اصولاً ابعاد مختلف سلطه امروزه در پیوندی فوق‌العاده وثیق و ناگسستنی با هم قرار گرفته‌اند. به همین جهت می‌توان این‌طور گفت که سلطه معرفتی به تبع سلطه سیاسی و اقتصادی می‌تواند واقع شود و عکس آن هم همین‌طور و در این آیه هیچ قرینه‌ای مبنی بر اینکه اختصاص داشته باشد به نفی سلطه خاصی و

حصر داشته باشد بر بعدی از ابعاد، وجود ندارد و آیه اطلاق دارد و اطلاقش شامل انواع سلطه‌ها می‌شود.

آری! سلطه فرهنگی در این آیه نفی شده. به لحاظ فکری اسلام قوی است: «الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَ لَا يُغْلَى عَلَيْهِ»، و بر این حدیث علو هم برای اثبات قاعده نفی سبیل تمسک شده. اسلام به لحاظ معرفتی و زیرساخت‌های معرفتی نیرومند است و هرگز هیچ مسلک و مکتبی نمی‌تواند بر آن اعتلا و استیلا پیدا کند. بنابراین اسلام از لحاظ فرهنگی، فکری و احتجاجی نیرومند است. خداوند متعال حق را در قبضه مسلمانان قرار داده و غیرمسلمانان نمی‌توانند بر مسلمانان مسلط شوند؛ منوط به اینکه از این معارف غنی استفاده کنند.

خداوند راه سلطه سیاسی را بسته؛ کافر نمی‌تواند ولیّ مؤمن باشد؛ حتی اگر پدر باشد. والد کافر ولایت بر ابن ندارد و نمی‌تواند بر فرزند مسلم و مؤمن اعمال ولایت کند و قهراً ولیّ سیاسی و حاکم کافر نمی‌تواند بر مؤمنین حکومت کند، چه در شکل‌های سنتی آن و چه در شکل‌های جدید و مدرن آن. به لحاظ نظامی نیز همین‌طور است؛ خداوند متعال اجازه نداده است که ما تحت سلطه نظامی قدرت‌های کافر باشیم. به لحاظ اقتصادی هم همین‌طور، به لحاظ فرهنگی هم همین‌طور.

قاعده نفی سبیل قاعده‌ای شامل است و اطلاق دارد و همه ابعاد را در بر می‌گیرد. چنان‌که قاعده حاکم نیز هست؛ یعنی هیچ اصلی و هیچ قاعده‌ای در مقابل آن نمی‌تواند مقاومت کند. همه قواعد، اصول و احکام مقهور و این قاعده حاکم است و می‌تواند آن‌ها را نقض کند؛ یعنی هر حکم و قاعده‌ای که موجب باز شدن راه نفوذ و سلطه کفار بر مؤمنین بشود حسب این قاعده باید کنار گذاشته شود و مشروع و نافذ نخواهد بود و این قاعده بر آن حاکم خواهد بود. از امام صادق (ع) خبر معروفی است که شنیده‌ایم: «إِنَّ اللَّهَ قَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ دَلِيلًا» (تهذیب، ج ۶، ص ۱۷۹)؛ «خداوند همه امور مؤمنین را به خودشان سپرده، جز اینکه خودشان را ذلیل کنند»؛ یعنی مؤمن

شخصاً نفس خودش را هم اختیار ندارد ذلیل و خوار کند و در اینجا گویی اختیار، به لحاظ شرعی و تشریحی، معنی ندارد و حضرت هم به قرآن تمسک می‌فرماید: «أَمَا تَسْمَعُ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ فَأَلْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيْزاً وَ لَا يَكُونُ ذَلِيْلاً قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ لِأَنَّ الْجَبَلَ يَسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَ الْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَقَلُّ مِنْ دِيْنِهِ بِشَيْءٍ».

در واقع خداوند متعال، رسول خدا و مؤمنین فقط باید عزیز باشند و فقط آنها باید غالب باشند؛ عزت یعنی غلبه و عزیز یعنی غالب. و غیرمؤمنین نمی‌توانند غالب باشند و اگر بعضی وقت‌ها در واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی سلطه‌ای از سوی قدرت‌ها ملاحظه می‌کنیم و گاهی مشاهده می‌شود که مسلمانان از جبهه کفر شکست می‌خورند به این جهت است که آنها به لوازم ایمان ملتزم نبوده‌اند؛ قرآن هم این را تحسین می‌کند: «وَ لَا تَهْنُؤْا وَ لَا تَحْزَنْوْا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹).

شما «اعلون» هستید؛ چه زمانی؟ آنگاه که اسلام باشد. کفار بر مؤمنین سبیل ندارند، چه زمانی؟ آنگاه که مؤمنین مؤمن باشند. اگر مؤمن باشید در عمل مطمئن باشید که هرگز کفار نمی‌توانند بر شما غلبه کنند.

بنابراین اگر سلطه و غلبه‌ای هم از قبل کفار اتفاق بیفتد یا افتاده باشد، در واقع و در خارج، سلطه کفر بر ایمان و کافر بر مؤمن نیست، چون زمانی کافران بر مؤمنین مسلط شده‌اند که آن‌ها در حال ایمان نبوده‌اند و به لوازم ایمان ملتزم نبوده‌اند. به این ترتیب هیچ‌گاه نمی‌شود که کافر بر مؤمن مسلط شود و این می‌شود همان مفهوم تکوینی. این مسئله خلاف اراده الهی است. اراده و مشیت تکوینی و تشریحی الهی بر این مستقر شده که هرگز کفر بر ایمان و کافر بر مؤمن مسلط نشود.

موضوع استفاده از کالای وارداتی قطعاً و بلاشک و بدون هیچ تردیدی راه سلطه کفار را بر مسلمین باز می‌کند. به‌خصوص در این دوره‌های اخیر این مطلب کاملاً محرز است. اگر روزی جای شک داشت و در آن تردید بود امروز دیگر جای

تردید نیست که وابستگی اقتصادی، وابستگی سیاسی را هم به دنبال دارد. اگر به لحاظ اقتصادی وابسته باشیم آن‌ها همه نوع اعمال نفوذ سیاسی می‌توانند بکنند. معنای تحریم‌ها همین است؛ یعنی از راه وابستگی اقتصادی کشورها، چه ایران و چه کشورهای دیگر، وارد می‌شوند. حتی در مقابل قدرتی مثل روسیه و چین از این ابزار استفاده می‌کنند؛ یعنی از وابستگی‌های اقتصادی استفاده می‌کنند برای اعمال نظر سیاسی و حتی نظامی. مثلاً می‌گویند شما نباید از سلاح هسته‌ای برخوردار باشید، قدرت موشکی نباید داشته باشید، باید به لحاظ نظامی تحت سیطره و ضعیف‌تر از ما باشید؛ اگر نه، ما از قدرت اقتصادی‌مان استفاده می‌کنیم و تحریم می‌کنیم.

این مسئله را فقهای ما از گذشته‌های دور درک کرده بودند. میرزای شیرازی با آن فتوای تاریخی تحریم تنباکو، انگلیس را شکست داد که آن فتوا هم مستند بر همین قاعده نفی سبیل بود. قبل از ایشان و خیلی پیش‌تر، بزرگانی از فقها مثل مرحوم آقا نجفی اصفهانی، مرحوم محقق اصفهانی، مرحوم سید صاحب عروه و مرحوم محدث نوری فتوا صادر کردند نسبت به استفاده از کالاهای خارجی و بیگانه و ضرورت استفاده از کالاهای داخلی. نامه‌هایی که مرحوم صاحب عروه به بعضی از تجار نوشته و نیز نامه مشترکی این جمع خطاب به عده‌ای نوشته‌اند، همگی به قاعده نفی سبیل تمسک کرده‌اند؛ یعنی به مقیاس قرون فقهای ما به کاربرد قاعده نفی سبیل در حوزه اقتصاد، تجارت، صنعت و... توجه داشته‌اند.

آنچه امروزه خطری غیرآشکار است و هستی و هویت مسلمان را تهدید می‌کند تغییر سبک زندگی و تأثیر فرهنگی از بیگانه است و امروز سلطه فرهنگی مؤثرترین و کارآمدترین سلطه است. لذا می‌توان گفت که وابستگی اقتصادی و استفاده از کالاهای خارجی از آن جهت که روی سبک زندگی تأثیر می‌گذارد عملاً حسب قاعده دیگری هم مُحَرَّم و مذموم قلمداد می‌شود و آن قاعده تشبیه به کفار است. به هر حال گاهی استفاده از کالای خارجی منتهی به تشبیه به کفار می‌شود که به معنای مخدوش شدن استقلال فرهنگی و هویتی و سبک زندگی

است. تشبه به كفار صرفاً از آن جهت نيست كه طرز لباس و اصلاح شبیه به آنها نباشد، بلكه به اين جهت است كه اينها نماد فرهنگ‌اند و اين يعنى از ميان رفتن استقلال فرهنگى و موضوع استقلال فرهنگى امروز مسئله بسيار پراهميتى است.

بررسی احکام فقهی خرید و فروش کالای قاچاق*

مقدمه

قاچاق کالا، یکی از شایع‌ترین نشانه‌های اقتصاد ناسالم در دنیاست. به ویژه که در سال‌های اخیر، آسیب‌های بسیاری را از جنبه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به کشور ما وارد کرده است. قاچاق و خرید و فروش کالای قاچاق، از دیر زمان مطرح بوده است. به عقیده تاریخ‌نگاران، سابقه ارتکاب قاچاق کالا در اعصار گذشته، به قدمت تاریخ تجارت است. از بدو شروع تجارت و کسب منفعت و وضع انواع مالیات و عوارض مختلف برای ورود و خروج کالا به داخل هر قلمرویی، نوع بشر به فکر فرار مالیاتی و خروج و ورود غیر مجاز کالا از قلمرو ساکن در آن افتاد و به تبع آن راهکارهای این ناهنجاری، در طول تاریخ، تنوع و پیچیدگی بسیاری پیدا کرد.

یکی از مهم‌ترین راهکارهای کنترل و پیشگیری از این معضل، فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی به موقع و دقیق می‌باشد. فرهنگ‌سازی با کمک نخبگان و کارشناسان فقهی و حقوقی و نظریه‌پردازان علمی - فرهنگی، مبارزه همه‌جانبه با پدیده قاچاق را به یک گفتمان فراگیر تبدیل می‌کند.

نقش مجتهدان، فقها و حقوقدانان در بررسی این پدیده و تبیین جوانب و بیان حکم شرعی آن، بر جامعه تأثیرگذار است.

بسیاری از کسانی که درگیر پدیده شوم قاچاق هستند، از احکام تکلیفی و وضعی و آثار سوء آن در حوزه‌های مختلف بی‌اطلاع یا کم‌اطلاع بوده و چه بسا همین سبب شده به این عمل مبادرت ورزیده و آن را شغلی مناسب برای خود و

* - سید حسن عابدیان و محمدرضا ارمک.

خانواده تلقی نمایند.

قاچاق در نظر مردم، باید از نظر شرعی یک عمل حرام و از نظر اقتصادی، گسترش دهنده فقر، جلوه نماید. کتابها و مقالات زیادی در این رابطه نوشته شده و مردم تا حدی تکلیف قانونی خود را می دانند، اما حکم فقهی قاچاق چندان روشن نیست. از این رو، در این مجال لازم دیدیم حکم فقهی قاچاق کالا و خرید و فروش آن و اصول قابل استناد در این رابطه را روشن کنیم تا مردم مسلمان، تکلیف شرعی خود را بدانند.

تحقیق پیش رو، تلاشی در جهت تبیین احکام فقهی قاچاق و معاملات قاچاقی کالا است تا با آگاه کردن مردم و نیز مسئولان، گامی مثبت در کاهش این پدیده در جامعه برداشته شود.

حکم تکلیفی قاچاق و ادله آن

یکی از مسائلی که کمتر به آن توجه شده است، بحث فقهی - استدلالی در رابطه با قاچاق کالا و استفتا از مراجع عظام تقلید و بررسی ادله حرمت تکلیفی آن است.

در پاسخ‌هایی که مراجع عظام تقلید در رابطه با حرمت قاچاق بیان کرده‌اند، به چند دلیل استناد شده است که در سه دلیل خلاصه می‌شود. در این مبحث، هر یک از این دلایل و ادله دیگر که در این رابطه بیان شده است، بررسی خواهد شد.

۱- قاچاق خلاف قانون است و خلاف قانون، خلاف حفظ نظم و خلاف نظم، جایز نیست.

همان‌گونه که بیان کردیم، در فتوای برخی از مراجع تقلید، به صراحت آمده است که خلاف قانون، در هیچ موردی از جمله قاچاق جایز نیست؛ زیرا قانون، نظام و محور هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد و اعمال خلاف قانون همانند قاچاق باعث می‌شود این نظام و محور از هم بگسلد و در نتیجه منجر به از بین رفتن

نظم عمومی و اجتماعی شود. از همین روست که فقها این علت را مد نظر قرار داده‌اند و در حکومت اسلامی توجه فراوانی به قانون کرده‌اند؛ تا جایی که هر آنچه که در مقام مخالفت با قانون باشد را مجوز شرعی نداده‌اند.

۲- رعایت قوانین، مصداق وفای به عهد است و وفای به عهد لازم است. یکی دیگر از ادله حرمت قاجاق، رعایت قوانین است از این جهت که رعایت قوانین، مصداق وفای به عهد است. در واقع گویی مسلمانان پیمان بسته‌اند در کشورهایی که زندگی می‌کنند، مقررات آن کشور را رعایت کنند تا حکومت نیز حافظ حقوق آنها باشد و خلاف قانون از جمله قاجاق، خلاف عهد و پیمانی است که با حکومت بسته‌اند.

البته می‌توان در این دلیل اشکال کرد که در این باره هیچ تعهدی که لازم الوفاء باشد، بین مسلمانان و حکومتی که در آن زندگی می‌کنند، وجود ندارد؛ زیرا هیچ یک از شرایط یک تعهد، مانند عقد بیع وجود ندارد تا فردی نسبت به یک فرد دیگر یا حکومت متعهد باشد. بنابراین، نمی‌توان این دلیل را جزء ادله حرمت قاجاق قرار داد.

البته نظر آیت‌الله «سیستانی»، خلاف این است؛ چراکه ایشان در پاسخ به سؤالی در رابطه با آنچه که گاهی در وسایط نقلیه؛ مثل اتومبیل، قطار، هواپیما و کشتی می‌نویسند (مثل سیگار کشیدن ممنوع) رعایت آن لازم است یا خیر، فرموده‌اند: «اگر آنچه نوشته شده به منزله شرط ضمنی در استفاده از آن وسیله باشد یا قانون حکومت باشد که ملتزم به رعایت آن شده، باید رعایت کنند و تخلف جایز نیست».

۳- عمل قاجاق، قاجاقچی را در معرض ضرر مالی و جانی قرار می‌دهد که مورد نهی شارع واقع شده است.

در فعل قاجاق، خوف ضرر جانی و مالی وجود دارد. از سوی دیگر، هر کاری که در آن خوف ضرر باشد، شرعاً جایز نیست. دلیل عمده این حکم، قاعده «نفی ضرر» است. این قاعده از نظر متن و سند، مورد اتفاق می‌باشد که اصل آن به

قضیه «سمره بن جندب» بر می‌گردد که نزاعی با مردی از انصار داشت. آیت‌الله «سید میرزا حسن موسوی بجنوردی» در مورد مدرک این قاعده می‌نویسد: «مدرک این قاعده عبارت است از روایات کثیره‌ای در کتب فریقین که مشتمل بر این جمله است از رسول خدا و این جمله به عنوان یک کبرای کلی منطبق با موارد عدیده‌ای است». همچنین آیت‌الله «محمدتقی حکیم» در این باره می‌فرماید: «این حدیث نزدیک است که به حد تواتر برسد، به خاطر کثرت روایات و راویان آن».

اساسی‌ترین موضوع در این قاعده، مدلول و مفهوم لاضرر است. در این زمینه دیدگاه‌های همه یکسان نیست. مهم‌ترین آرای که در زمان ما از آنها سخن بسیار به میان آمده، به شرح ذیل می‌باشد:

حمل نفی بر نهی؛ مقصود از لا ضرر و لا ضرار، حرام بودن ضرر زدن به دیگران است. معنای قاعده در این صورت این است که ضرر زدن و اضرار به دیگران از نظر شرع حرام است و دلالتی بر لزوم جبران ضرر یا اولویت داشتن بر دیگر احکام شرعی نخواهد داشت.

نفی حکم ضرری؛ بر اساس این نظریه از سوی شارع، هیچ حکم ضرری‌ای وضع نشده است. به دیگر سخن، هر حکمی که از سوی شارع مقدس صادر شده، اگر زیان‌آور باشد، ضرر بر نفس مکلف یا غیر او، ضرر مالی یا غیر مالی، حکم یاد شده به استناد قاعده لا ضرر برداشته شده است.

نهی حکومتی و سلطانی؛ امام خمینی (ره) این قاعده را از احکام فرعی نمی‌داند، بلکه آن را از احکام حکومتی می‌داند و از احکام سلطانیه شمرده است که سلطان و حکومت برای پیشبرد احکام حکومتی باید از آن استفاده کند. پس بر طبق این قاعده، وقتی واردات و صادرات بر خلاف قوانین مملکت بوده و با منافع ملی در تضاد باشد و به منافع ملی ضرر می‌رساند؛ هرچند منفعت بعضی افراد در آن باشد، قطعاً مصداق بارز قاعده لاضرر است. در عین حال، باید متذکر شد که مضرات قاچاق کالا به جامعه و نظام

اسلامی؛ چه در بخش خصوصی و چه در بخش عمومی، بسیار زیاد است تا جایی که گسترش این عمل می‌تواند ارکان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نظام را تضعیف نماید و باعث بیکاری، رواج فساد اداری در سطوح مختلف گردد، باندهای مافیایی و سازمان‌یافته را تقویت نماید و در مراحل پیشرفته منجر به گسترش جرایمی مانند پولشویی، دست به تقنین به نفع مجرمین بزند یا از تصویب قوانین مانع، جلوگیری نماید. وقتی چنین باشد، بین دو ضرر، تعارض ایجاد می‌شود؛ یکی ضرری که با تصویب قوانین ضد قاچاق متوجه اشخاص حقیقی می‌شود و دیگری ضرر حاصل از عملیات کنترل قاچاق کالا، از میان این دو ضرر که هر دو به وسیله این قاعده نفی گردیده، حال چه از باب نفی حکومتی یا از باب نفی حکم ضرری، به حکم عقل باید حکم ضرری اهم که ضرر بر جامعه و حکومت اسلامی است، نفی گردد، ولو این که ضررهای جزئی به بعضی اشخاص حقیقی وارد شود.

پس در نتیجه، قاچاق کالا و ارز، تهدیدی برای حکومت محسوب می‌شود. این گونه قاچاق، نه تنها به ضرر ملت می‌باشد، بلکه حکومت را نیز بر زمین می‌زند. لذا از نظر حکم حکومتی و احکام ولایی، محکوم به حرمت است و مصداق بارز قاعده «لا ضرر» می‌شود. وقتی که ضرر به یک شخص روا نباشد و شارع مقدس آن را نفی کند، ضررزدن به توده مردم به طریق اولی جایز نخواهد بود.

قاعده نفی سبیل

از قواعد مهم فقهی که در موارد فراوانی مبنای استنباط احکام فرعیه قرار گرفته، قاعده نفی سبیل است. حرمت هر عملی که سبب شود دشمنان دین یا غیر مسلمان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمان یا مسلمانان پیدا کنند، طبق این قاعده روشن است. این قاعده در حوزه اقتصادی، مواردی مانند عدم تولیت کافر بر اوقاف مسلمین و عدم اخذ شفعه کافر از مسلمان و موارد دیگری را که از مصادیق منع سلطه کفار بر منابع ثروت و اقتصاد مسلمانان است، شامل می‌شود. بنابراین، با توجه به این قاعده، قاچاق کالا دارای آثار خاصی است که موجب تسلط کفار بر مسلمانان در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی

می‌گردد. از این رو، قاچاق کالا قطعاً حرام می‌باشد.

اعانت بر اثم و عدوان

یکی دیگر از قواعدی که در مورد قاچاق می‌تواند مورد استناد قرار گیرد، قاعده «حرمت اعانه بر اثم و عدوان» می‌باشد. مهم‌ترین مدرک این قاعده، آیه ۲ سوره مائده است که می‌فرماید: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»؛ «و باید شما به یکدیگر در نیکوکاری و تقوی کمک کنید، نه بر گناه و ستمکاری - کمک کنید».

فقها بر حرمت اعانه بر اثم و عدوان اجماع دارند. با توجه به معانی اثم و عدوان، قطعاً قاچاق کالا به عنوان یکی از جرایمی که معمولاً سازمان‌یافته و به صورت جمعی و در راستای تحصیل منافع نامشروع انجام می‌گیرد، تعدی به حقوق جامعه و فرد است و موجب تضعیف اقتصاد کلان، سیستم اقتصادی، رواج بیکاری، تضعیف ارکان سیاسی نظام و ... بوده و مصداق قطعی اثم و عدوان و به استناد آیه شریفه، حرام و جرم است.

قاچاق کالا افساد فی الارض

در هیچ یک از کتب فقهی، بحثی مستقل تحت عنوان افساد فی الارض و مصادیق آن بیان نشده است. اما به طور کلی فقهای شیعه و سنی، جرم‌های خاصی را تحت عنوان افساد فی الارض مطرح نموده‌اند و احکامی در حد مرگ برای آن بیان کرده‌اند. افساد، در واقع به فساد و تباهی‌کشاندن جامعه است. لذا فقها اغلب افساد فی الارض را معادل محاربه با خدا دانسته و حکم آن را مرگ می‌دانند. «شیخ مفید» در کتاب «مقنعه» می‌فرماید: «الخناق يجب علیه القتل و يسترجع منه ما اخذه من الناس و كذلك كل مفسده»؛ «شخص زورگیر باید کشته شود و آنچه را از مردم گرفته باید پس دهد و هر مفسدی نیز همین گونه است».

طبق ملاک‌هایی که در افساد فی الارض وجود دارد؛ مانند ایجاد خوف و

هراس، ناامنی، به هم زدن نظم اجتماعی، ایجاد تنگنا و مضيقه در هیأت اقتصادی و اجتماعی، سد راه معیشت مردم و...، قاچاق کالا و ارز هم از مصادیق بارز افساد فی الارض می باشد؛ زیرا نابودکننده اقتصاد سالم و پویا است.

قاعدهٔ مصلحت (قاعدهٔ اهم و مهم)

مصلحت در لغت، به کارهایی که موجب صلاح، آسایش و سود افراد می شود، اطلاق می گردد و جمع آن مصالح است. امام خمینی (ره) درباره شمول و گستره این قاعده، معتقد است گاه مسائل عالی حکومت؛ مثل حفظ نظام اسلامی، عدالت اجتماعی، حفظ کیان کشور اسلامی، حفظ جان مؤمنان و وحدت مسلمانان، اقتضای آن دارد که حاکم به تناسب زمان و مکان، پا را فراتر نهاده، حکمی دیگر صادر کند که این، همان احکام حکومتی است که گاه بر احکام اولیه و ثانویه مقدم است و در مورد مرجع تشخیص مصالح عمومی جامعه، باید گفت که این تشخیص، با فقیه و حاکم اسلامی می باشد. دلیل این مطلب نیز روایاتی است که در این زمینه وجود دارد؛ مثل توقیع امام زمان که ایشان امت را در حوادث پیش آمده به راویان حدیث که منظور، فقها هستند، ارجاع داده است و این امور، فقط مربوط به امور شرعی نبوده و همه اموری را که در جامعه پیش می آید، شامل است.

بر اساس همین اختیارات، ولی فقیه و حاکم اسلامی می تواند تشخیص بعضی از امور و مصالح را به افراد متخصص و خبره واگذار کند. بر اساس همین قاعده، در نظام جمهوری اسلامی، نهادهایی مثل مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام به وجود آمده که مصالح کشور اسلامی را می سنجد و بر اساس آن مصالح مهم، قوانین و مقررات خاصی را وضع می کند.

لذا هر نوع واردات و صادرات کالای قاچاق چون بر خلاف مصالح عمومی نظام و جامعه اسلامی ماست، جایز نیست، ولی هر زمانی که این ممنوعیت برداشته شد، اصل آزادی در انجام معاملات، سر جای خودش باقی است.

وجوب تبعیت از احکام حکومتی ولی فقیه و عدم جواز مخالفت با آن

پس از پذیرفتن مشروعیت تشکیل حکومت اسلامی و حکمرانی حاکم مشروع و ولایت فقیه که از اهداف و ارکان دین اسلام است و نیز مسئولیت حاکم در اداره امور زندگی مردم، لزوم اعطای اختیارات لازم به او کاملاً روشن می‌شود؛ زیرا نمی‌توان مسئولیت و تکلیفی را بر گردن حاکم اسلامی گذاشت، ولی اختیار لازم برای اخذ تصمیم درباره زندگی مردم را در زمان و مکان خاصی به او نداد. این امر آشکار عقلی، موجب شد که مشروعیت صدور احکام حکومتی را همه مذاهب اسلامی بپذیرند. بنابراین، نمی‌توان پذیرفت شخصی از طریق نصب الهی یا انتخاب امت، شرعاً ولایت داشته باشد و در عین حال، اطاعت از حکم او واجب نباشد.

پس از این که ثابت شد حاکم اسلامی می‌تواند احکامی را بنا بر مصالح و مفاسدی که تشخیص می‌دهد برای برقراری نظم و نظام عمومی صادر کند، سؤال این است که حوزه اختیار حاکم تا کجاست و در چه زمینه‌هایی می‌تواند این احکام را صادر کند؟

امام خمینی(ره)، محدودکردن حوزه اختیارات حاکم اسلامی را در بخش فروع و تخصیص حق صدور احکام حکومت در حوزه مباحات یا احکام متغیر، نافیه فلسفه جعل اختیار صدور احکام حکومتی می‌داند و معتقد است در این صورت، حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوضه به نبی اسلام، پدیده‌ای بی‌معنا و بی‌محتواست و پیامدهایی دارد که هیچ‌کس به آن ملتزم نیست. حق صدور احکام حکومتی به آن علت وضع شده که حاکم اسلامی بتواند با این احکام، پاسخگوی شرایط خاص زمان و مکان خود باشد و با حفظ اصول، جامعه را از مشکلات رهایی بخشد و انجام چنین وظیفه‌ای با اختیارات اندک، امکان‌پذیر نیست. همچنین ایشان معتقد است ولایت فقیه و احکام حکومتی از احکام اولیه است.

با توجه به این مقدمات، حکم قاچاق کالا و معاملات قاچاق، روشن می‌شود؛ زیرا هرچند این احکام و قوانین حکومتی را خود حاکم اسلامی وضع و صادر

نکرده، بلکه وکلا و نمایندگان حاکم اسلامی وضع کرده‌اند، ولی حاکم اسلامی این وظیفه را به اهل خبره و کارشناسان واگذار کرده تا با توجه به مصالح جامعه اسلامی و مقتضیات زمان، قوانین و احکامی را صادر کنند. بنابراین، مخالفت با این قوانین با واسطه نیز حرام است؛ زیرا مخالفت با این قوانین در واقع مخالفت با احکام صادره از خود ولی فقیه است. علاوه بر این، در استفتائات مختلف از امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب، قاچاق کالا و خرید و فروش کالای قاچاق، مخالفت با قوانین و مقررات اسلامی نیز شمرده شده است.

روایات لزوم حفظ سوق المسلمین

در برخی روایات، اشخاص از ائمه (ع) سؤالاتی می‌پرسیدند و ایشان ضمن پاسخ به سؤال، تعلیلی برای فتوای خود بیان کرده‌اند. ادعا این است که با توجه به تعلیل وارده در روایات این باب، هر چیزی که باعث به‌هم‌خوردن نظم بازار مسلمین شود، ممنوع است و باید حکم به بطلان آن صادر نمود.

در موثقه «علی بن ابراهیم» از امام صادق (ع) سؤال شده است، اگر چنانچه کالایی را در دست شخصی دیدم، می‌توانم شهادت دهم که آن کالا مال وی است؛ در حالی که امکان دارد آن کالا مال شخص دیگری باشد؟ امام صادق (ع) می‌پرسد: آیا خرید آن کالا بر تو حلال است؟ سائل پاسخ می‌دهد: آری. امام می‌پرسد: چطور می‌توانی آن کالا را از وی بخری و بعد قسم بخوری که این کالا مال من است، در حالی که ممکن است آن کالا از آن فروشنده نباشد و مال کس دیگری باشد، ولی نمی‌توانی شهادت دهی که آن کالا مال وی است. در ادامه، امام (ع) می‌فرماید: اگر این کار صحیح نباشد، بازاری برای مسلمانان باقی نمی‌ماند (وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۹۳).

قاعده سوق المسلمین، از جمله قواعد فقهیه‌ای است که دارای منفعت بسیاری در زندگی می‌باشد و برخی از احکام فقهی بر آن استوار است. این قاعده، به این معناست که بازار مسلمین، نشانه‌ای است که حیوان موجود در آن بازار، با

روش شرعی ذبح گردیده و مذکی می‌باشد. هدف این قاعده، آن است که بازار مسلمانان حفظ گردد و هر چه به نظام معاملات آنان، صدمه بزند، غیر قابل پذیرش می‌باشد. بنابراین، بدون تردید، قاچاق کالا یا ارز، باعث به هم خوردن نظم بازار مسلمین شده و تعادلش را به هم می‌زند. لذا ممکن است ادعا شود معاملاتی که منجر به قاچاق کالا و ارز می‌شود، باطل و بی‌اثر است.

قاعده لا ضرر

بدون تردید یکی از قواعد بنیادین در نظام اجتماعی، منع اضرار به دیگران است. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ضرر رساندن به دیگران را مباح بداند. ضرورت این موضوع به حدی است که مدلول این قاعده، جزء مستقلات عقلیه محسوب می‌شود و از قواعد معروفی است که در فقه اسلامی مورد بحث و بررسی دقیق قرار گرفته است. علاوه بر این که قاعده نفی ضرر، از مستندات عقلیه شمرده شده است. از این جهت، حتی اگر مستندات نقلی هم وجود نداشت، به حکم عقل، اضرار به دیگران، مورد نهی شارع مقدس و قانونگذار قرار می‌گرفت.

از بین آیات قرآن کریم، می‌توان به آیاتی چون «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ» (بقره، ۲۳۳)؛ «نباید مادری به فرزندش ضرر برساند و نیز نباید پدری به فرزندش زیان بزند»، «لَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا» (بقره، ۲۳۱)؛ «نگه ندارید آن‌ها - زنان - را تا ضرر وارد آورید بر آن‌ها به خاطر آزار رساندن به آن‌ها»، و نیز آیاتی دیگر استدلال کرد که در آن‌ها اضرار به دیگری، ممنوع شده است.

روایات متعددی در متون اسلامی در خصوص منع اضرار به دیگری وارد شده است؛ به گونه‌ای که در آن ادعای تواتر بین اهل سنت و شیعه شده است. از برجسته‌ترین آن روایات، روایت معروفی است که در قضیه «سمره بن جندب» وارد شده است که در ذیل این روایت، رسول مکرم اسلام (ص) می‌فرماید: «اذهب فاقلعها و ارم بها الیه فانه لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»؛ «برو و آن - درخت

۱ - الکافی، کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹۳.

خرما - را از جا بکن و نزد او بینداز؛ زیرا ضرر و ضراری در اسلام وجود ندارد».

صرف نظر از اختلافات شدیدی که بین فقها بر واژه‌شناسی این قاعده و الفاظ به کار رفته در آن وجود دارد، برخی مدلول آن را حکم حکومتی می‌دانند و برخی آن را نهی از اضرار به غیر می‌شمارند و برخی نفی حکم ضرری و گروهی نفی حکم ضرری به لسان نفی موضوع و برخی عدم امضای حکم ضرری و گروهی لزوم تدارک ضرر می‌دانند؛ ولی همگی به این نکته مشترک ملتزم هستند که ضرر رساندن در اسلام، مشروعیت ندارد و عدم مشروعیت، هم شامل مرحله قانون‌گذاری و هم شامل مرحله اجرای قانون می‌شود. بنا بر نظر برخی از فقها، این قاعده بر احکام اولیه حکومت دارد و می‌تواند در موارد ضرر شخصی، به‌عنوان دلیل ثانوی، دایره احکام اولیه را محدود سازد، بلکه می‌تواند حاکی از یک خط مشی کلی در تشریح احکام اولیه باشد. بنابراین، دو نتیجه کلی از آن گرفته می‌شود:

۱- احکام الهی، اعم از وضعی و تکلیفی، مبتنی بر نفی ضرر بر مردم، وضع گردیده‌اند؛

۲- چنانچه شمول قوانین و مقررات اجتماعی در موارد خاصی موجب زیان گردد، آن قوانین متفرع می‌شوند.

حال در مسئله قاچاق و معاملات مربوط به آن می‌دانیم که ورود کالاهای قاچاق به بازار داخلی، باعث ضرر به نظام اقتصادی کشور شده و شیرازه تولید داخلی کشور را از بین می‌برد. بنابراین، صحت معاملات و اقداماتی که در مسیر قاچاق کالا قرار دارد را شاید بتوان با قاعده لاضرر مرتفع نمود و حکم به بطلان آن داد.

حمایت از تولید ملی در سیره علما و مفاخر

...حمایت از تولید ملی و مصرف کالاهای داخلی، یکی از اساسی‌ترین روش‌های مقابله با نفوذ و استعمار دشمنان و تحریم‌های اقتصادی است که موجب تقویت و شکوفایی اقتصادی ملی می‌گردد. علما و مفاخر ایران به ویژه در دوران معاصر، با پی بردن به فعالیت‌های استعماری دشمنان اسلام در زمینه اقتصادی، اقدامات ارزشمندی را نسبت به تقویت اقتصاد داخلی و حمایت از تولید ملی و تحریم کالاهای خارجی انجام دادند و راه را بر روی نفوذ بیگانگان بستند که نمونه‌های فراوانی از این موارد در تاریخ ذکر شده است.

درباره کریم خان زند نقل شده است که با وجود اهدای ظروف چینی از سوی نمایندگان انگلستان به او، کریم خان از ظروف مسی ساخت داخل کشور برای خوردن غذا استفاده می‌کرد. روزی یکی از بازرگانان به او گفت: لایق خان این گونه ظروف چینی است، نه ظروف مسی. کریم خان زند با شنیدن این حرف بشقاب چینی را بر زمین زد و بشقاب تکه تکه شد. آن‌گاه بشقاب مس کاشان را خواست و بر زمین زد. بشقاب سالم ماند و کریم خان گفت: سلاح مردم ایران این است و باید با همین ظروف مسی آشنا و به ساخته‌های کشور خود خرسند باشند تا تهیدست و درویش نشوند.

میرزا تقی خان امیر کبیر، صدر اعظم شهید ایران در دوره قاجار را باید از پیشگامان حمایت از تولیدات داخلی و کالاهای ایرانی دانست. امیر معتقد بود که ایران نباید بازار فروش کالاهای خارجی باشد. بلکه باید اساس اقتصاد مملکت را بر تهیه این کالاها در داخل کشور مبتنی نمود. این کار احتیاج به سرمایه و کارگر فنی و مدیریت اصولی داشت و این هر سه عامل در ایران آن روز تا حدی موجود بود. اما مانع اساسی چنین تحولی، یعنی جانشین ساختن تدریجی صنایع دستی

متوسط با صنایع ماشینی، ضدیت صریح استعمار خارجی بود که امیرکبیر این عامل عمده را نیز خلع سلاح کرد.

میرزا تقی خان به منظور بسط صنایع سرمایه‌کافی در اختیار اهل فن گذاشت و کارخانجات شکرریزی در ساری و ریسمان‌ریسی و چلوار بافی در تهران و حریر بافی در کاشان و سماور سازی و کالسکه سازی در اصفهان و تهران تاسیس کرد. وی با تشویق استادان در ایجاد منسوجات و مصنوعات جدید و انجام اختراعات در این زمینه‌ها در اصفهان و کاشان اقدام به تأسیس کارخانه ماهوت سازی و دادن دستورات لازم در این خصوص به نماینده ایران در اتریش و صدور امریه ای مبنی بر ایجاد نمایشگاهی از محصولات صنعتی ایران در تهران کرد که همه این‌ها علامت درک صحیح امیر کبیر از قوانین درونی اقتصاد سرمایه داری که در جهت نابود ساختن صنایع یدی عمل می‌کرد، است. او عده زیادی از خبرگان و استادکاران را برای آشنایی با فنون و صنایع جدید به مسکو و سن‌پترزبورگ فرستاد. این‌ها پس از بازگشت به ایران کاغذگرخانه اصفهان، بلور سازی تهران و کارگاه های چدن ریزی و نساجی را در ساری به وجود آوردند.

از سوی دیگر در پرتو حمایت و هدایت امیر رشته‌هایی از صنایع دستی که قابلیت توسعه داشتند چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت و مرغوبیت در راه تحولات اساسی افتادند. چنانکه شال‌های کرمانی معروف به شال امیری به چنان نفاستی از بافت و از لحاظ جنس رسید که از شال‌های کشمیری پیش افتاد و شال جوغان پشمین مازندران که به دستور امیر به جای ماهوت خارجی به لباس سربازان اختصاص یافت، تولید وسیع و با ارزشی پیدا نمود.

امیرکبیر با توسعه و نفوذ سرمایه‌گذاری خارجی مخالف بود؛ زیرا خوب می‌دانست که با سرمایه‌گذاری خارجی و اصولاً نفوذ سرمایه خارجی به هر نحو در اقتصاد مملکت به منزله تملک تدریجی منافع اقتصادی و بازارهای تجارت داخلی است و سرانجام موجب اسارت و استعمار خواهد گردید. چنانکه بعدها همان‌طور هم شد. این ادراک صحیح از فرمانی استنباط می‌گردد که این مرد دانا و توانا در

مورد استخراج معادن ایران صادر کرد و خارجیان را از مداخله در این مورد ممنوع نمود. اما افسوس که دشمنان، اجازه ندادند این فرزند لایق ایران زمین به اصلاحات خود و قطع دست بیگانگان از این خاک پاک ادامه دهد و در نهایت او را مظلومانه در حمام فین کاشان به شهادت رساندند.

در آغاز استقرار مشروطیت، انگلستان و روسیه در صدد برآمدند از ضعف اقتصادی دولت بهره برند و با دادن کمک‌های مالی پایه‌های نفوذ خود را محکم‌تر کنند؛ از این روی توسط ایادی خود در مجلس و دولت انتشار دادند: چون کار دولت پریشان و نیاز به چهار کرور^۱ پول دارد و در صورت نرسیدن فوری دو کرور آن تمام ادارات دولتی از کار خواهند افتاد دو دولت انگلیس و روس پذیرفته‌اند که به دولت ایران وام بدهند اما با این شرایط که پول با نظارت آنان مصرف شود و گمرگ شمال و جنوب و پستخانه و تلگرافخانه به ضمانت در نزد آن دو دولت باشد.

این پیشنهاد که مقدمه وابستگی به بیگانگان بود و دست اندازی به اقتصاد ایران به شمار می‌آمد با مخالفت شدید علماء روبه رو شد.

از جمله، علمای عراق به آیت الله شیخ محمد باقر بهاری همدانی مجتهد همدان ماموریت دادند به تمام سفارتخانه‌ها اعلام دارد که دولت‌های بیگانه حق استقرار به شاه را ندارند و مسئولیت این کار بر عهده خود آنان خواهد بود.

علمای ایران پیشنهاد کردند که برای رفع نیازمندی‌های دولت از مردم استمداد شود و بانک ملی تشکیل گردد؛ مردم تشویق شوند تا سرمایه‌های خود را به بانک تحویل داده و سهام دریافت بدارند.

علماء و طلاب در این حرکت ملی جلودار شدند تا جایی که طلاب برای مقابله با استقراض خارجی کتاب‌های خود را فروختند.

پس از قرار داد ننگین ۱۹۰۷ که ایران را به دو منطقه تحت نفوذ انگلیس و روسیه تقسیم می‌کرد، یکی از راه‌هایی که علماء برای مقابله با نفوذ و دخالت

۱ - هر کرور، پانصد هزار یا نیم میلیون است.

بیگانگان به کار بردند، حمایت از تولید ملی و تحریم کالاهای خارجی بود. در اصفهان آیت الله آقا نجفی اصفهانی با سخنان آگاهی بخش خود، مردم را به خطرهای این قرارداد ذلت بار هشدار داد و مبارزه ای منفی علیه بریتانیا آغاز کرد.

او به مردم سفارش کرد کالاهای انگلیسی را نخرند و به جای آن از تولیدهای داخلی استفاده کنند. راهی که با موفقیت در زمان میرزای شیرازی (ره) در مبارزه با کمپانی رژی و تحریم تنباکو تجربه شده بود.

در گزارش سفیر بریتانیا آمده است: آقا نجفی روزی در مسجد شرح مفصلی از فواید متروک داشتن اقمشه (پارچه‌های) اروپایی بیان نمود و گفت: او و سایر علما از این به بعد به ترک منسوجات فرنگی خواهند کوشید.

علمای شیراز نیز در اعتراض به این کار، خرید و فروش کالاهای اروپایی را حرام اعلام کردند.

یکی دیگر از ابعاد مبارزه علما با نفوذ اقتصادی و استعماری بیگانگان، تأسیس شرکت اسلامییه برای تولید کالاهای داخلی به منظور بی نیازی از مصرف کالاهای خارجی بود.

شرکت اسلامییه، شرکت سهامی عام و یکی از نخستین و مهم‌ترین کارخانه‌هایی بود که در دوران قاجار با هدف تأمین منسوجات مورد نیاز مردم ایران و مقابله با وابستگی به خارج، با تلاش و حمایت اغلب بازرگانان و علمای اصفهان، کاشان و شیراز به ویژه آیت الله آقا نجفی و آقا نورالله نجفی اصفهانی در فروردین ۱۲۷۸ شمسی تأسیس شد.

شرکت اسلامییه به سرعت با استقبال گسترده مردم در خرید سهام و همچنین محصولات خود مواجه شد و به تدریج شعبه‌هایی در بسیاری شهرها و همین‌طور در خارج از ایران ایجاد کرد. این شرکت اولین تلاش در صنعت مدرن در ایران خصوصاً در زمینه نساجی بود که به فعالیت صرافی نیز اشتغال داشت و یکی از زمینه‌های تأسیس بانک و بانکداری و سهام در ایران به شمار می‌رود.

علما که خود در راه اندازی و تدوین اساسنامه آن حضور داشتند در ادامه به تلاش جدی برای تحریم کالاهای ساخت خارج و استفاده از کالاهای ایرانی پرداختند.

سید جمال الدین واعظ اصفهانی از خطبای دوره مشروطه، کتابی به نام «لباس التقوی» در دفاع از راه اندازی این شرکت نوشت و علمایی همچون آیت الله سید کاظم یزدی صاحب عروه، آیت الله العظمی سید اسماعیل صدر عاملی، آیت الله شریبانی، میرزا محمد حسن مامقانی و ملا فتح الله اصفهانی بر آن مهر تأیید زدند.

آخوند خراسانی (ره) در ۱۳۱۵ ق به دعوت تنی چند از علمای ایران، همراه با گروهی دیگر از مراجع تقلید فتوایی در تحریم کالاهای خارجی و حمایت از کالاهای داخلی و به منظور رفع نیاز کشور به بیگانگان صادر نمود و در تأیید «شرکت اسلامی»، علاوه بر خرید منسوجات آن، بر کتاب لباس التقوی واعظ هم تقریظی چنین نوشت:

«بر مسلمانان لازم است که لباس ذلت [تولید خارج] را از تن بیرون کنند و لباس عزت [ساخت داخل] را بپوشند.»

همچنین در نامه‌ای به مظفرالدین شاه، او را به حمایت از این شرکت تحریض نمود.

یکی دیگر از موارد تلاش‌های علما و مفاخر ایران زمین برای تقویت تولیدات داخلی و نفی استفاده از اجناس خارجی، عهدنامه سیزده تن از علمای اصفهان است که در بخش‌هایی از آن آمده است:

«این خدام شریعت مطهره با همراهی جناب رکن الملک، متعهد و ملتزم شرعی شده‌ایم که:

اولاً، قبالجات و احکام شرعی از شنبه به بعد روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود. اگر بر کاغذهای دیگر بنویسند، مهر ننموده و اعتراف نمی‌نویسیم. ثانیاً، کفن اموات اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا دیگر پارچه‌های غیر ایرانی باشد، متعهد شده‌ایم بر آن میت، ما نماز نخوانیم.

ثالثاً، حرام نمی‌دانیم لباس‌های غیر ایرانی را، اما ما ملتزم شده‌ایم حتی المقدور بعد از این تاریخ لباس خود را از منسوج ایرانی بنماییم». به دنبال این قرارداد، علمای دیگر هم با صدور اعلامیه به آن پیوستند و این به گونه‌ای بود که دولت انگلستان را به عکس‌العمل وا داشت و چارلز مارلینگ، کاردار سفارت انگلیس به میرزا حسن خان مشیرالدوله (وزیر امور خارجه ایران) در نامه‌ای نوشت:

«جناب مستطاب! ...از اصفهان به دوستدار اطلاع رسیده که در کار ترتیبی هستند که نگذارند استعداد اروپایی! به فروش برسد و به خریداران ایرانی که اهمیت دارند، اعلام کرده‌اند که به کلی ترک معامله نموده و به مهلت چهار ماهه محاسبات خود را با تجارت خانه‌های اروپایی قطع کنند... چون مبلغ زیادی سرمایه انگلیسی در این کار است، اگر این کار غیر صحیح را بگذارند امتداد پیدا کند، به سرمایه مزبور خطر فاحش وارد خواهد آمد. از جناب مستطاب عالی خواهشمندم مقرر احکام لازمه به کارگزاران اصفهان صادر شود که از اقدامات فتنه انگیز این اشخاص فوراً دست بردارند!

آیت الله العظمی آخوند ملاحسینقلی همدانی (ره) یکی از بزرگ‌ترین عارفان عصر حاضر است که ده‌ها نفر از خرمین علم و معرفت ایشان خوشه برچیده و خود به یکی از بزرگان عرفان اسلامی تبدیل شده‌اند. گرچه آن بزرگوار در زمینه عرفانی شناخته شده اما در زمینه سیاسی نیز صاحب نظر و عمل بوده‌اند که متأسفانه بدان پرداخته نشده است.

آیت الله سید عبدالحسین لاری که خود نیز از علمای مبارز معاصر است، روش و منش استادش آخوند همدانی را چنین نقل می‌کند:

«او از کلیه مجلوبات از بلاد کفره اجتناب می‌فرمود و قند و چای و دخانیات را استعمال نمی‌کرد. آن عارف سالک مکرّر می‌فرموده که من راضی نیستم کسی به حوزه درس من حاضر شود مگر آن که متقی باشد یا مجاهد و بر اثر این اعلام تهدیدآمیز بعضی از آقایان حضور در مجلس درس وی را ترک کردند».

حضرت امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی درباره شهید آیت الله

سید حسن مدرس می فرمایند: در آن وقت لباس کرباس ایشان زبانزد بود؛ کرباسی که باید از خود ایران باشد، می پوشید.

فرزند مرجع بزرگ جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) نقل می کند: یکی از خصوصیات عملی آیت الله مرعشی نجفی این بوده که معظم له هیچ وقت از لباس های خارجی استفاده نکرده و این روش را مبارزه با استکبار می دانست و حتی موقعی که خیاط می خواست از دکمه خارجی برای لباس وی، استفاده کند، آقا اجازه نداد و از قیطان به جای دکمه در لباسش استفاده کرد.

هر یک از اقشار جامعه چه نقشی در تحقق شعار حمایت از کالای ایرانی دارند؟

با توجه به آنکه مخاطبان شعار سال رهبر معظم انقلاب - دام‌پلّه - را مسئولان، مردم و تولیدکنندگان تشکیل می‌دهند، مروری داریم بر اقدام مورد انتظار هر یک از اصناف سه‌گانه بالا:

۱- خرید با تعصب کالای ایرانی، وظیفه مردم در حمایت از کالای ایرانی است.

در حال حاضر، بخش زیادی از کالاهای با کیفیت تولید داخل، تنها به دلیل عدم اقبال مردم، در انبارهای تولیدکنندگان انباشت شده است.

۲- تولید محصول با کیفیت و دارای قیمت مناسب، وظیفه تولیدکنندگان ایرانی است.

تولیدکنندگان محترم نیز وظیفه دارند حرکت مردم به سمت خرید محصولات ایرانی را با تولید محصولات با کیفیت و ارزان، پاسخ دهند؛ چه آنکه تولید محصول فاقد کیفیت و گران نسبت به اجناس خارجی، مردم را در حمایت از کالای ایرانی ناامید خواهد کرد.

۳- صاحبان سرمایه‌های کوچک و بزرگ نیز وظیفه دارند با سرمایه‌گذاری در فعالیتهای تولیدی و قناعت به سود کم، سهم خود را در قبال حمایت از کالای ایرانی بپردازند. چه آنکه در حال حاضر یکی از مشکلات اصلی تولیدکنندگان داخلی، کمبود نقدینگی عنوان شده است.

۴- مسئولان بیشترین سهم را در حمایت از کالای ایرانی دارند. دستگاه‌های حاکمیتی در وهله اول وظیفه دارند ملزومات مورد نیاز خود را از محصولات تولید داخل تأمین نمایند؛ این اقدام به ایجاد انگیزه بیشتر در بین

مردم منجر می‌شود. نیز شرایط حاکم بر کشور بایستی به نحوی تغییر یابد که موانع بخش تولید مرتفع و از این بخش به روش‌های مختلف حمایت گردد. اقدامات زیر، از جمله مواردی هستند که عزم جدی مسئولان دولت (دستگاه‌های حاکمیتی) را در حمایت از کالای ایرانی می‌طلبد:

- مبارزه هدفمند، مداوم و همه‌جانبه با قاچاق کالا؛
- مدیریت واردات کالا به کشور به منظور افزایش هزینه واردات کالاهای دارای مشابه داخلی؛
- بهبود و سهولت فضای کسب‌وکار؛
- جهت‌دهی منابع بانکی (سرمایه‌های کوچک) به سمت تأمین مالی فعالیت‌های تولیدی؛
- حمایت از صادرات محصولات تولید داخل با اعطای مشوق‌های صادراتی و رفع موانع صادراتی؛
- کاهش سوددهی بخش‌های موازی تولید از طریق به کارگیری ابزارهای مالیاتی؛
- بهبود وضعیت نظام تولید کالا در کشور به منظور کوتاه کردن دست واسطه‌ها و کاهش هزینه مبادله؛
- و حمایت هوشمندانه دیگر از تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران در بخش تولید.

بایدها و نبایدهای حمایت از کالای ایرانی*

نام‌گذاری‌های اقتصادی در سال‌های اخیر از سال ۸۸ تا سال ۹۶ توسط مقام معظم رهبری، نشان می‌دهد مهم‌ترین دغدغه ایشان در حوزه مسائل کلان کشور و البته پاشنه آشیل کشور در سال‌های مذکور، مسئله اقتصاد بوده است. جالب اینجاست که ذیل مسائل اقتصادی نیز اهمیت حمایت از کالای ایرانی به قدری زیاد است که با وجود اینکه شعار سال ۹۱ «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی» بوده، ایشان سال ۹۷ نیز بر این مورد تأکید ورزیده‌اند.

به عنوان مقدمه بد نیست نگاهی به دوره‌های تاریخ اقتصادی جهان طی چهار قرن گذشته بیندازیم تا ببینیم اقتصادهای توسعه‌یافته چه دوره‌هایی را سپری کرده‌اند تا به وضعیت فعلی نائل آمده‌اند. جهان در چهار قرن گذشته، چهار دوره با رویکردهای اقتصادی متفاوت را سپری کرده است. تا قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم اقتصادهای پیشرو از حمایت کامل دولت برخوردار بوده‌اند. دولت‌ها برای کمک به اقتصاد ملی خود از هیچ تلاشی اعم از کاهش مالیات‌ها، افزایش یارانه‌های بخش تولید، ایجاد موانع برای واردات کالا، تشویق و حتی اجبار مردم به استفاده از کالاهای داخلی و هدایت سرمایه‌های ملی به بخش تولید، فروگذار نکردند.

این دوره، به دوره «مرکانتیلیسم» یا سوداگری معروف است. الگوی اقتصادی بسیاری از کشورهای قدرتمند از جمله انگلیس و حتی آلمان و فرانسه و ژاپن مبتنی بر همین مدل بود.

نیمه دوم قرن نوزدهم دوران بهره‌برداری از نظریات «آدام اسمیت» و تخصصی شدن مشاغل است که منجر به عصر طلایی انقلاب صنعتی می‌شود.

* - امید رامز : <https://www.mashreghnews.ir>

کشورهای پیشرو برای تولید انبوه کالا که قاعدتاً فراتر از نیاز کشورهای خود بود، نیاز به بازارهای مصرف داشتند تا مازاد کالاهای تولیدی خود را به آن کشورها صادر کنند. این دوره عصر جهانی‌سازی، مزیت رقابتی و بازار آزاد است. کشورها باید مرزهای اقتصاد خود را باز گذارند تا این دست نامرئی بازار، بر اساس کیفیت نهایی محصول و قدرت رقابت‌پذیری، عرضه و تقاضا را تنظیم و کنترل کند.

طبیعی است در این بازار جهانی کدام کشورها بیش از سایرین سود خواهند برد. کشورهایی که پیشرو بودند با استفاده از علم بی‌طرف (!) به پیشروی خود ادامه دادند. این دوره به دوره اقتصاد لیبرال یا کلاسیک معروف است که تا جنگ اول جهانی ادامه داشت. با گذشت چند دهه، کشورهای ضعیف‌تر که نتوانسته بودند بهره لازم را ببرند و در قیاس با انگلیس پیشتاز، قدرت رقابت کافی نداشتند، مجدداً به حمایت‌گری اقتصادی روی آوردند.

برخی حتی مهم‌ترین دلیل وقوع جنگ اول جهانی را همین رقابت‌های اقتصادی می‌دانند؛ یعنی رویکرد حمایت‌گرایی از اقتصاد ملی در کشورهای نظیر آلمان و ایتالیا و عثمانی و بستن درهای کشورشان به روی کالاهای سایر کشورها و در عوض رویکرد اقتصاد بازار در کشورهای نظیر انگلستان. پس از جنگ جهانی، هم به‌دلیل بحران اقتصادی دهه ۳۰ و هم به‌دلیل بازسازی دوران پس از جنگ، نوع نوینی از مرکانتیلیسم یعنی رویکرد دولتی و حمایت‌گرایی اقتصادی مبتنی بر نظریات اقتصاددانانی نظیر «جان مینارد کینز» تا دهه ۸۰ میلادی که دوره آغاز نئولیبرالیسم است، ادامه یافت.

توجه به دوره‌های مذکور در تاریخ اقتصاد جهان از این بابت مهم است که بدانیم اولاً همه کشورهای توسعه یافته، پیش از ورود به بازار جهانی ابتدا به تقویت بنیان‌های اقتصادی خود و افزایش رقابت‌پذیری کالاهای داخلی‌شان پرداخته‌اند و ثانیاً برخلاف ادعای ساینتیست‌ها مبنی بر بی‌طرفی علم، در دوره‌های مختلف بویژه ۳ قرن گذشته، بارها و بارها حوزه‌های مختلف علم در خدمت سیاست بوده است.

چه کنیم؟

برای اینکه شعار «حمایت از کالای ایرانی» فقط در حد یک شعار باقی نماند، ۳ گروه اساسی ذی‌ربط لازم است مسئولیت‌های خود را دانسته و ایفای نقش کنند:

۱- دولت و همه نهادهای سیاست‌گذار زیرمجموعه دولت؛ ۲- تولیدکنندگان؛

۳- مردم.

اول) دولت: ابتدا دولت باید رویکرد و خط‌مشی خود را مشخص کند؛ اینکه اصلاً می‌خواهد در جهت حمایت از کالای داخلی گام بردارد یا خیر؟ اگر آری؛ با چه مدلی؟ باید مشخص کنیم اقتصاد نئولیبرال به عنوان مدل پیشنهادی مشاوران و تیم اقتصادی دولت و سیاست «درهای باز اقتصادی» با الگوبرداری از تایلند، چین و... می‌تواند از کالای ایرانی حمایت کند؟

پاسخ تاریخ به این سؤال منفی است. بر مبنای تجربه تاریخی، هیچ کشور عاقلی قبل از رسیدن به حد رقابت، اقتصاد داخلی نوپای خود را برای مبارزه با رقیب بزرگسال قدرتمند خارجی، وارد رینگ مبارزه و رقابت نمی‌کند! اقتصاد بازار قویاً داروینیست است؛ ضعیف باید از بین برود تا قوی بماند.

با همین سیاست، ده‌ها کارخانه تولیدی قدیمی، به بهانه نبود قابلیت رقابت، به جای تقویت شدن از رده خارج شدند. گام بعدی برای حمایت از کالای داخلی، هدایت نقدینگی موجود در بانک‌ها به سمت تولید است. رقم نقدینگی در انتهای سال ۹۶ به حدود ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان رسید و پیش‌بینی می‌شود در انتهای سال ۹۷ با رشد ۲۰ درصدی، به رقم ۱۸۰۰ هزار میلیارد تومان برسد. برای هدایت نقدینگی به بخش تولید دو گام اساسی لازم است؛ اولاً با توجه به آشفته‌بازار دلار، انجام اقداماتی در زمینه کنترل تقاضای غیرضروری دلار، حیاتی است.

گام دوم هدایت نقدینگی به سمت تولید از طریق بازار سرمایه است. الزامات

قانونی برای شفافیت مالی شرکت‌ها، ارائه بدون تاخیر اطلاعات شرکت‌ها در سامانه کدال و قابلیت دسترسی همزمان همه افراد حقیقی و حقوقی به اطلاعات مالی شرکت‌ها، ممنوعیت معاملات اشخاص حقوقی و اعضای خانواده آنها و همچنین کنترل و شفافیت جلسات کمیسیون‌های مجلس بویژه کمیسیون اقتصادی و حتی میهمانان حاضر در آنها، جهت جلوگیری از لابی اطلاعات در خرید و فروش سهام، از جمله اقدامات اعتمادساز برای جذب سرمایه عمومی به بازار سهام و هدایت آن به بخش تولید است.

مورد دیگر این است که با افزایش نرخ دلار علاوه بر اینکه بهای تمام‌شده کالاهای وارداتی افزایش می‌یابد، به دلیل افزایش هزینه گمرکی، احتمال قاچاق کالا نیز افزایش خواهد یافت، لذا در این باره اصلی‌ترین اقدام پیشنهادی، ممنوعیت واردات کالاهای مشابه کالاهای تولید داخل تا «مدتی معین» است. با این روش تمییز کالاهای قاچاق و ممنوعیت فروش و استفاده از آنها کار ساده‌ای خواهد بود. نکته بعد دادن سقف زمانی و اولتیماتوم به شرکت‌های داخلی است تا همانند برخی خودروسازان از فرصت فراهم شده سوءاستفاده نکنند. البته یک اقدام سهل‌گیرانه‌تر، افزایش تعرفه واردات است که ایراد این روش همان‌طور که گفته شد، احتمال افزایش قاچاق کالا است، ولی به هر حال از درهای باز توجیه‌پذیرتر است. این در حالی است که پیش از این به طور مثال، امضای توافقنامه با ترکیه با تعرفه ترجیحی، کمر بخش نساجی و پوشاک را شکست و تولیدکنندگان این بخش یکی پس از دیگری در حال ورشکستگی هستند. ضمن اینکه نباید فراموش کنیم بخشی از کالاهای وارداتی، نتیجه جذب فاینانس یا تهاثر نفت در برابر کالا (به دلیل محدودیت دسترسی به ارز حاصل از فروش فرآورده‌های نفتی) است. لذا برنامه‌ریزی مناسب درباره حذف فاینانس و کنترل فروش نفت خام نیز در این باره راهگشا خواهد بود.

نکته دیگر، پرهزینه، پرریسک و کم‌سود بودن فعالیت‌های بخش تولید نسبت به فعالیت‌های سفته‌بازی است. نرخ تسهیلات بالا، بیمه، مالیات و افزایش نرخ ارز

عمده‌ترین عوامل افزایش بهای تمام‌شده کالاهای تولیدی نسبت به کالاهای وارداتی و کم‌بازده شدن بخش تولید نسبت به سفته‌بازی است. حدود ۸۵ درصد کالاهای وارداتی کشور در سال‌های گذشته مربوط به کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای بوده است که بخش تولید بشدت به آنها وابسته است و افزایش بهای دلار سبب افزایش نرخ آنها خواهد شد که متعاقباً در بهای تمام‌شده کالای تولید داخلی تأثیر خواهد گذاشت.

از طرف دیگر دولت عزم خود را جزم کرده تا کسری درآمدهای خود از محل فروش نفت را از محل مالیات بر درآمد جبران کند. این امر سبب رشد ۳ تا ۸ برابری مالیات واحدهای تولیدی در سال‌های گذشته شده است؛ این در حالی است که درآمد بسیاری از بخش‌های تولید به این اندازه رشد نداشته، لذا فشار مازادی را بر تولیدکننده وارد کرده است.

کاهش نرخ سود تسهیلات برای بخش تولید و همچنین اخذ سایر انواع مالیات همچون مالیات بر دارایی، مالیات بر مصرف، مالیات بر واردات، مالیات بر خانه‌های خالی مالکان و... سبب خواهد شد بخشی از فشار بخش تولید به بخش سفته‌بازی منتقل شود و سبب رونق تولید و کم‌بازده شدن فعالیت‌های سفته‌بازی شود. علاوه بر این موارد نیز، در میان‌مدت واگذاری بخش‌های دولتی به بخش خصوصی واقعی (و نه خصولتی یا تیول‌داری) مهم‌ترین مسئولیت دولت خواهد بود. اولاً بخش خصوصی کوچک و متوسط باید به لحاظ نقش در تولید ناخالص داخلی تقویت شود و ثانیاً با سیاست‌گذاری مناسب راه رشد کیفی محصولات این بخش باز شود.

سازمان استاندارد و نهادهایی با مسئولیت مشابه، هم باید قدرت بیشتری داشته باشند و هم با نظارت بیشتر، از فساد کارشناسان این نهاد جلوگیری شود. هیچ‌گونه مسامحه‌ای در تعامل با شرکت‌ها نباید صورت بگیرد. مورد آخر و بسیار مهم اینکه خود دولت و دستگاه‌های اجرایی زیرمجموعه دولت، ملزم به استفاده از تولید کالاهای داخلی شوند و نمایندگان استان‌ها به جای رویکرد جذب حداکثری

سرمایه به حوزه انتخابیه، با دید ملی به پروژه‌ها نگاه کنند و به هر قیمتی به دنبال احداث زیرساخت‌ها در شهر و استان خود نباشند.

دوم) تولیدکنندگان: رشد بهره‌وری و افزایش کیفیت محصولات داخلی منوط به دو عامل است؛ اولاً تقویت تکنولوژی در واحدهای صنعتی که با توجه به هزینه‌بر بودن خرید تجهیزات، نیازمند حمایت با تسهیلات مناسب است و ثانیاً توجه به نقش علم در رشد بهره‌وری تولید. بنابراین با سیاست‌گذاری مناسب، شرکت‌هایی که از حمایت دولت برخوردار خواهند شد، اعم از دولتی یا خصوصی، باید ملزم به تخصیص درصد قابل توجهی از سود یا درآمد خود به حوزه تحقیق و توسعه (R&D) شوند تا در «مدت معین» که در سطور فوق به آن اشاره شد، بدون سوءاستفاده از رانت حمایت، بتوانند روند مناسب رشد بهره‌وری و افزایش کیفیت را طی کنند.

علاوه بر این باید وزارت علوم با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت، رویکرد پژوهشی دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها را به سمت حل مسأله و نیاز بخش تولید هدایت کند. ارتقای اساتید و دفاع از پایان‌نامه دانشجویان تحصیلات تکمیلی باید منوط به ارائه یک راهکار برای حداقل یکی از مشکلات بخش تولید شود. با تعیین دستمزد مناسب و جذاب از محل بودجه R&D شرکت‌ها، رویکرد پژوهشی باید از مقاله‌محوری و واردات مسأله، به مسأله‌محوری تغییر یابد. حتی پیشنهاد می‌شود شرکت‌های صنعتی ملزم به استخدام حداقل یک مهندس صنایع با تخصص بهینه‌سازی فرایندهای تولیدی و خدماتی شوند.

سوم) مردم: مردم باید به این درک برسند که مصرف کالای باکیفیت‌تر خارجی به‌رغم اینکه در کوتاه‌مدت احتمالاً به سود آنها خواهد بود ولی در بلندمدت آسیب این انتخاب آنها متوجه خود آنها و کشور آنها خواهد بود.

مطالعه تاریخ توسعه کشورهای پیشرو در حوزه اقتصاد نشان می‌دهد آنها بشدت به مصرف کالاهای داخلی خود تعصب و غیرت داشته‌اند. بسیاری از مردم حتی حاضرند بهای بیشتری برای کالای داخلی خود بپردازند تا تولید ملی‌شان

رشد کند. خود مردم در معرفی تولیدکنندگان خوب داخلی و فروشگاه‌های این محصولات به اطرافیان خود باید کوشا باشند. قطعاً مشاهده روند رشد کیفی محصولات داخلی، مردم را به خرید این محصولات ترغیب خواهد کرد. بسیاری از کالاهای داخلی با کیفیت مناسب، با برچسب و برند کشورهای خارجی به فروش می‌رسند؛ صنعت پوشاک بارزترین نمونه در این باره است. تمایل مردم به استفاده از کالاهای داخلی، اعتماد به نفس تولیدکننده را نیز افزایش خواهد داد تا به جای برچسب خارجی از برچسب و برند خود استفاده کند.

در انتها لازم است به وضعیت جهانی نیز اشاره کنیم. در شرایط فعلی، ایران تنها کشوری نیست که نهضت حمایت از کالای داخلی را به راه انداخته است. بسیاری از کشورهای اروپایی و حتی آمریکا در سال‌های اخیر شاهد قدرت‌گیری جریان‌های ملی‌گرا بوده‌اند.

ترامپ و جریان حامی او بارزترین نمونه‌اند. خروج از پیمان پاریس، افزایش نرخ تعرفه واردات محصولات مختلف از اروپا و چین و ساخت دیوار مکزیکی ذیل حمایت از تولید داخلی آمریکا قابل تفسیر است. خروج انگلیس از اتحادیه اروپایی، تمایل آلمان برای جدایی و به‌طور کلی پیش‌بینی کارشناسان مبنی بر گسست اتحادیه اروپایی، رشد جریان‌های راست در فرانسه، هلند، سوئد و آلمان و دغدغه دولت رفاه در این جریان‌ها، نشان می‌دهد مسئله ملی‌گرایی که یک بعد آن در حوزه مسائل اقتصادی است، در غرب نیز جدی است.

چرا واردات کالاهای مشابه داخلی حرام است؟*

در سال ۹۵ بود که رهبر معظم انقلاب از تولید ملی به عنوان امری مقدس و با ارزش یاد کردند و همهٔ آحاد و اقشار مردم را به تقویت آن به هر طریق ممکن دعوت کردند. در این میان ایشان بر نقش مصرف‌کنندگان که تمامی مردم را در بر می‌گیرد تأکید ویژه‌ای فرمودند و گفتند عمده مردمند و خود راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند. اما در بیانات خود در ابتدای سال ۹۶ در حرم مطهر رضوی که به نوعی نقشه راه سال را نیز ترسیم می‌نماید، با ذکر دو مسئلهٔ مهم در تولید که عبارت بود از مسئلهٔ واردات و مسئلهٔ قاچاق، چنین فرمودند:

«واردات کالاهایی که در داخل به قدر کافی تولید می‌شود، بایستی به صورت یک حرام شرعی و قانونی شناخته بشود».

به نظر می‌رسد که اولاً در اینجا مخاطب در امر مبارزه با قاچاق و واردات، مسئولین نظام و به ویژه قوهٔ مجریه در مقام اجراست و نه عموم مردم. این بدان معناست که مطالبه از مردم به سمت مطالبه از مسئولین در بیان رهبر انقلاب صورت پذیرفته است که شاید از یک‌سو، نشان‌گر توجه مردم در مصرف تولیدات داخلی، و از سوی دیگر، اقدامات ضعیف مسئولین در این امر باشد. ثانیاً قطعاً عبارت «حرام شرعی و قانونی»، بار معنایی و حقوقی خاصی دارد که شاید تاکنون در بیانات معظم‌له مسبوق به سابقه نبوده باشد. از این رو برخی آن را به مثابهٔ «فتوا» و برخی نیز به مثابهٔ یک «حکم حکومتی» تلقی کرده‌اند.

در واقع از آنجا که دولت در نظام اقتصادی موجود کشور، به عنوان بزرگ‌ترین مجری و ناظر، مصرف‌کننده و تقاضاکنندهٔ کالاها و خدمات به حساب می‌آید و سهم آن از مجموع درآمدهای ملی کشور (تولید ناخالص داخلی)، سهمی

* - علی‌اکبر کریمی : www.Khamenei.ir

فائق بر بخش مصارف خصوصی و سرمایه‌گذاری و نیز بخش تجارت خارجی است، از این رو شاید تکیه اصلی این بیان رهبر انقلاب بر مسئولین نظام و به ویژه قوه مقننه و مجریه برای مقابله با امر واردات به جای تکیه بر مصرف از همین جهت باشد که تا بحث لزوم مصرف تولیدات داخلی و منع مصرف تولیدات خارجی دارای مشابه داخلی به میزان کافی، آن هم از طریق کنترل مبادی ورودی کالا که وظیفه خاص دولت و مجموعه حاکمیت است به درستی و با حساسیت و قاطعیت، پیگیری نشود، انتظار بهبود تولیدات ملی و تقویت و ترویج مصرف محصولات داخلی به سرانجام و نتیجه مطلوب نخواهد رسید. لذا ایشان با درک این مهم و علی‌رغم نقش تعیین‌کننده ترجیحات و تصمیمات مصرف‌کنندگان داخلی یا همان عموم مردم در تقویت کالای داخلی، بر مقابله جدی و قاطع مسئولان در امر واردات تأکید نموده‌اند.

نمونه‌هایی از این دست فتاوی در مورد واردات

این البته اولین باری نیست که یک عالم و فقیه، چنین حکمی را می‌دهد. اگر نگاهی به تاریخ این سرزمین و به‌ویژه تاریخ معاصر ایران بیندازیم به وضوح به مواردی برمی‌خوریم که حاکی از نگاه خاص و نافذ علمای با بصیرت در مورد امر تولید ملی است. این امر به‌ویژه با اقدام جریان‌ساز فتوای تحریم مصرف تنباکو توسط مرجع تقلید بزرگ آن زمان، یعنی مرحوم میرزای بزرگ شیرازی به منصفه ظهور رسید که به استعمار شرکت‌های انگلیسی و به‌ویژه شرکت معروف رژی در ایران که بازار تنباکو را در انحصار خویش داشت، خاتمه داد.

حکم تحریم تنباکو، به واسطه وسعت نفوذ این مرجع بزرگ و حکم شدید و بی‌سابقه مبنی بر حرمت و در حکم محاربه با امام زمان بودن، جریان‌ساز و تحول‌آفرین شد و نقطه عطفی در مبارزات علیه استعمارگری‌های بیگانگان در کشور که عمدتاً از طریق واردات در پی ضربه زدن به اقتصاد کشور بودند به حساب آمد، به طوری که تا قبل از آن شاید اشکالات و پیامدهای معامله با اجانب

و بیگانگان و سلطه اقتصادی ایشان بر کشور چندان بر عموم مردم روشن و واضح نبود و در موارد بسیاری نیز دولت وقت با این معاملات همراهی می کرد. اما صدور این فتوا، هم دخالت شریعت در برابر سلطه بیگانگان را در امور اقتصادی نشان داد و هم راه را بر مظاهر و عرصه‌های دیگر تهاجم اقتصادی بیگانگان و سلطه‌ورزی ایشان در این کشور مسدود نمود.

سه سال قبل از این فتوا نیز در سؤال و جوابی که بین شهید شیخ فضل‌الله نوری و میرزای بزرگ شیرازی در مورد سد نفوذ اقتصادی اجانب و بلاد کفر در آن زمان به‌ویژه روس و انگلیس از طریق تحریم مواردی چون قند و چایی و غیره، صورت پذیرفته بود، ایشان آن را از باب سیاست و مصالح عامه برشمرده و تکلیف اصلی را بر دوش دولت و مسلمانان صاحبان نفوذ دانسته بودند و مردم را به تحریم کالاهای بیگانه تشویق کردند.

بیست سال بعد، آخوند خراسانی، مرجع بزرگ شیعیان نیز مصرف کالاهای خارجی در سرزمین‌های اسلامی را موجب از میان رفتن ثروت کشور و منابع داخلی و فقر و فلاکت امت و تسلط کفار بر مسلمین و نیز از بین رفتن استقلال مملکت و حتی تخریب دین دانستند و تلاش مردم از همه اصناف در جهت تحریم آن را، جهاد اقتصادی در رکاب امام زمان (عج) بر شمردند.

نگاهی به مواضع و فتاوا و نیز سیره علمای بصیر، حاکی از اراده جدی و عزم پُرحزم ایشان برای مقابله با نفوذ و سلطه بیگانگان به‌ویژه بلاد کفر بر بلاد اسلامی است. بیش از بیست سند و متن تاریخی حاوی مواضع و فتاوای علمای اعلام بویژه در تاریخ مشروطیت وجود دارد که به امر تحریم کالاهای بیگانگان و ترویج مصرف محصولات وطنی مستقیماً می‌پردازد. مبنای فقهی این موضوع را شاید بتوان در قاعده نفی سبیل دانست. قاعده نفی سبیل از قواعد مهم فقه اسلامی و مستند به آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (سوره نساء/۱۴۱) است. در این آیه، شارع مقدس در مقام تشریح و در مقام قانون‌گذاری و در مقام بیان یک قاعده کلی در جامعه اسلامی است. هر قرارداد و هر چیزی که

سبب استیلاي کافر بر مسلم شود منفي است. بنابر اين، قاعده نفي سبيل بر ادله اوليه و احکام حکومت ناظر است. اين امر در مورد معاملات و قراردادهای اقتصادي و تجاري با بيگانگان به ويژه کفار بسيار بارز و روشن است چرا که هرگونه وابستگي اقتصادي بدون مابه‌ازاي مشخص در برابر آن، موجبات وابستگي سياسي و حاکميتي را هم فراهم مي‌آورد.

تقويت اقتصاد ملي

از سويي ديگر، براي رفع نيازهاي مادي و معنوي مسلمين در تمامي شئون، بايست اقتصاد جامعه اسلامي از قوت و ثروت فراواني برخوردار باشد. بدون آن، نه نيازهاي داخلي رفع خواهد شد و نه اقتدار و عزت جامعه اسلامي رقم خواهد خورد؛ چراکه واردات کالاهايي که در داخل توليد مي‌شوند و نيازي به واردات آن نيست از سويي موجب ورشکستگي کارخانجات داخلي و در نتيجه بيکاري بخشي از جامعه مسلمين مي‌شود، و از سويي ديگر، موجب وابستگي بيشتري کشور به بيگانگان خواهد شد که همين امر، ممکن است زمينه‌ساز ضربه‌زدن، نفوذ و تسلط بر کشور را فراهم کند.

در واقع اين مبنا از يک حيث، بخشي از همان عدم وابستگي و سلطه‌پذيري از کفار را بر مبنای نفي سبيل در بردارد و بخش ديگر آن برمي‌گردد به تأمين نيازها و حوائج و رفاه مسلمين و برخورداری عموم جامعه‌ي اسلامي از مواهب و نعمت‌هاي خدادادي.

جالب‌تر اينکه تمامي اين حساسيتها بر استقلال اقتصادي مملکت و بيرون آوردن آن از دستبرد بيگانگان در شرايطي رقم مي‌خورد که توان توليدي آن زمان کشور نسبت به کشورهای صنعتي پيشرفته همچون انگليس، روسيه، پرتغال و اسپانيا و مانند آن، به شدت نازل بود و حال آنکه در شرايط فعلي، کشور به هفدهمين اقتصاد بزرگ دنيا مبدل شده است و در بسياري از محصولات توليدي توان رقابت با کشورهای خارجي را داشته و داراي مزيت رقابتي و نسبي است و

نیز صادرات قابل توجهی به بیرون از مرزهای خود دارد. در واقع در چنین شرایطی سخن از محدود کردن واردات نمی‌تواند آن‌چنان مشکل خاصی حتی برای مصرف‌کنندگان به وجود آورد.

بنابراین مسئولان و در رأس آنان دولت‌مردان و نمایندگان مردم در مجلس می‌بایست تمامی مقدمات لازم برای اجرای قاطعانه و سریع و دقیق حکم ممنوعیت واردات را فراهم سازند تا دیگر شاهد واردات کالاهای مصرفی غیرضروری، کالاهای دارای مشابه داخلی و دارای توان تولید داخل و نیز کالاهای ضروری و استراتژیک مورد نیاز که می‌بایست در داخل تولید شوند، نباشیم.

اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید داخلی در کشورهای دیگر چطور اجرا می‌شود؟*

شاید بحث اقتصاد مقاومتی برای برخی، بحثی جدید به حساب بیاید، ولی حقیقت آن است که این موضوع در ایران و جهان به نام‌های مختلف هم که شده کم و بیش جریان داشته است. بیایید باهم برخی از این کشورها و اتفاقات را مرور کنیم:

ایران

آیت الله آقا نورالله اصفهانی از علمای مهم و اثرگذار دوران مشروطه و برادرش آقا نجفی که مرجع تقلید بود با توجه به تضعیف صنایع ملی توسط اجناس خارجی با حمایت جمعی از علمای تراز اول اصفهان، بیانیه ۱۰ ماده‌ای جالبی منتشر کردند و نهضت تحریم کالای خارجی را برای رونق اقتصاد داخلی راه انداختند. این نهضت با ایجاد یک شرکت تولیدی به نام «شرکت اسلامی» توانست موج آفرین باشد که به واسطه آن شرکت‌های تولیدی زیادی در آن زمان با اهداف مشابه در ایران راه اندازی شد. جالب آنکه شرکت اسلامی نیز در آن زمان در کشورهای مختلف از جمله هند، آذربایجان، انگلیس، عراق و... شعبات خود را دایر نمود.

هند

چند سال بعد از حرکت جالب علمای اصفهان گاندی قیام خود را آغاز کرد.

* - منبع: مهر.

او که وکالت خوانده بود در مسیر انقلاب خود، اقتصاد مقاومتی را سرلوحه قرار داد و با تحریم اجناس خارجی و تبلیغ اجناس هندی انقلاب هند را به ثمر رساند. شعاع تأثیر مبارزه منفی گاندی تا آنجا پیش رفت که هندی‌ها در بسیاری از شهرهای بزرگ، مثل روزگار ساوونارولا، جشن‌های بزرگ پارچه‌سوزی ترتیب دادند که در آن هندیان و بازرگانان ثروتمند، از خانه‌ها و انبارهای‌شان، تمام پارچه‌های خارجی را بیرون آورده، به آتش انداختند. آن‌گونه که فقط در یک روز، در بمبئی ۱۵۰,۰۰۰ طاقه پارچه را به شعله‌های آتش سپردند!

با توجه به فاصله زمانی کوتاه میان نهضت تحریم که توسط آقا نورالله نجفی به راه افتاد با قیام گاندی و نیز حضور نماینده‌های شرکت اسلامی که داعیه دار تولید ملی در ایران و صادرات آن به خارج بودند در شهرهای کلکته و بمبئی هند و نیز لندن، می‌توان این احتمال را هم عنوان کرد که گاندی با توجه به مناسبات نزدیکی با مسلمانان و شخص «جواهر لعل نهرو» نهضت خود را از ایرانیان الگو گرفته باشد؛ چه‌آنکه ایران و هند سال‌ها دو کشور همسایه بودند و با هم تعاملات بسیاری داشتند؛ حتی اولین فیلم سینمایی ایرانی با زبان فارسی در هند تولید شده است.

ژاپن

ژاپنی‌ها نیز از گذشته در تعصب روی اجناس خود مشهور بوده‌اند. آنها تا تأسیس و راه‌اندازی کارخانه کفش در کشورشان از کفش‌های خارجی استفاده نکردند و حتی امپراتور ژاپن تا زمانی که اولین کارخانه شیشه در ژاپن احداث نشد اجازه نداد تا پنجره‌های قصرش با شیشه خارجی مجهز شود. این تعصب ژاپنی‌ها هنوز هم در این کشور وجود دارد و شعار «ژاپنی، ژاپنی بخرا!» به قسمتی از فرهنگ ژاپنی‌ها تبدیل شده تا آنجا که یک شرکت کره‌ای برای نفوذ در بین ژاپنی‌ها شبکه اجتماعی خود را که به «لاین» مشهور است با این اسم که ژاپنی است وارد بازار این کشور کرد و هنوز هم بسیاری از ژاپنی‌ها از این کلاهبرداری

کره‌ای مطلع نیستند.

اصولاً مردم ژاپن یک ویژگی خاص و مشهور دارند که اگر کالایی ژاپنی‌اش موجود باشد از اجناس خارجی مشابه آن استفاده نمی‌کنند و لاین از همین موضوع استفاده کرد.

دوران اقتصاد مقاومتی در انگلیس

در سال ۱۶۰۷ انقلاب صنعتی انگلیس با بهره‌وری در کشاورزی شروع شد و در فاصله سال‌های ۱۶۷۰ تا ۱۷۷۶ (حدود ۱۰۰ سال) انگلیس یک دوره درون‌گرایانه جدی را تجربه کرد به طوری که مرزهای خود را بر ورود هرگونه کالای خارجی بست؛ و هنگامی که مذاکرات پارلمان انگلیس را مشاهده می‌کنیم، می‌بینیم نسبت به ورود کالای خارجی بسیار حساس بودند و حتی در یک بازه ۶ ماهه در اواخر قرن ۱۸ قیمت گندم هفت برابر می‌شود و به بدنه کارگری، به دلیل ثابت ماندن دستمزد، فشار زیادی وارد می‌شود، ولی پارلمان اجازه نمی‌دهد گندم وارد شود.

فرانسه

فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم آسیب جدی و زیادی دید. اما این کشور که خودش زادگاه نظریه پردازان بزرگ اقتصادی است، با تأکید بر تولید ملی توانست گام‌های موثر و مناسبی را در این عرصه بردارد. نشریه فرانسوی بلومبرگ، در گزارشی در مورد توجه مردم فرانسه به اجناس تولید داخلی می‌نویسد: فرانسوی‌ها برای حمایت از تولید ملی و اشتغال کشور خود حاضرند کالاهای فرانسوی را با قیمت بالاتر خریداری کنند. براساس این گزارش که در سال ۲۰۱۱ منتشر شده است، ۵۰ درصد مردم فرانسه حاضرند برای خرید کالاهای ساخته شده فرانسه، پول بیشتری هم بپردازند. طبق این گزارش مردم فرانسه برای حمایت از تولید ملی و هم وطنان تولیدکننده‌شان حاضرند ۵ تا ۱۰ درصد قیمت بالاتری را

بپردازند. این در حالی است که قیمت نهایی کالاهای تولید شده در فرانسه، بین ۱۵ تا ۲۵ درصد، گران‌تر از کالاهای مشابه تولید شده در کشوری مثل چین است. این عرق ملی مردم فرانسه برای حمایت از تولید ملی و محصولات داخلی باعث شده است در کنار سایر اقدامات، زمینه مناسبی برای پیشرفت تولید ملی در این کشور فراهم شود.

مستند «من با محصولات ۱۰۰ درصد فرانسوی زندگی می‌کنم» اثر مشترک بنجامین کارل، بنجامین آدور، کرین داسفور از آن دسته آثار فرهنگی فرانسوی محسوب می‌شود که سعی در تحریک مردم در این راستا دارند.

امریکا

پیروزی دونالد ترامپ سرمایه‌دار مشهور امریکایی بر هیلاری کلینتون به باور بسیاری از کارشناسان سیاست غیرقابل باور بود، ولی جدا از طرح مسائل نژادپرستانه از سوی ترامپ که اجداد خودش نیز زمان زیادی نیست به امریکا مهاجرت کرده‌اند، شعار «امریکایی، امریکایی بخر و امریکایی استخدام کن!» و جدیت او در این عرصه باعث محبوبیت ترامپ میان مردم ایالات متحده شد. ترامپ به محض ورود به کاخ ریاست جمهوری قوانین سختگیرانه‌ای برای شرکت‌های امریکایی در جهت حمایت از نیروی کار امریکایی به مرحله اجرا گذاشت.

آلمان

«جنس آلمانی بخر!»

دکتر عادل پیغامی در مورد اقتصاد آلمان و بحث اقتصاد مقاومتی در این کشور می‌گوید: آلمانی که امروز در بحران اقتصادی اروپا نه تنها سرپا ایستاده، بلکه دارد اروپا را فتح می‌کند، پایه قوت اقتصادی‌اش بر می‌گردد به خروج از استعمار انگلیس در ۱۸۲۷ با آقای «لیست» و با ناسیونالیزم اقتصادی. ناسیونالیزم

اقتصادی هم چیزی نبود جز تأکید بر اینکه «جنس آلمانی بخر!» من سخنرانی‌های لیست را در مجلس آلمان آن موقع (پروس) برای بچه‌ها سر کلاس خواندم، و پرسیدم: چه جمله‌ای در ذهن‌تان نقش بست؟ همه گفتند: تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه آلمانی. آلمان، و حتی انگلیس هم همین مسیر را طی کرده است. در انگلیس قرن هجدهم آدام اسمیت از بازارهای باز صحبت می‌کند. دانشجوی اقتصاد اگر نداند، دچار اشتباه می‌شود و فکر می‌کند توصیه به بازارهای باز، جهانی شدن بازارها و عدم محدودیت بازارها، یک توصیه علمی است. علمی هست ولی در زمان و مکان خودش.

تعصب بالا نسبت به کالای کره‌ای

فرهنگ مصرف در کشور کره نیز بسیار قابل توجه است. کره‌ای‌ها حساسیت و تعصب بالایی نسبت به کالاهای بومی خود دارند؛ به نحوی که به سادگی حاضر نمی‌شوند کالاهای خارجی مشابه مصرف کنند، حتی گاهی با کیفیت بسیار بالاتر. به عنوان مثال به رغم اینکه خودروهایی از جمله محصولات تویوتا، مرسدس بنز، بی ام دبلیو و... به نسبت خودروهای کره‌ای از کیفیت بالاتری برخوردارند، امثال اینگونه خودروهای خارجی به ندرت در خیابان‌های کره جنوبی به چشم می‌خورند (با وجود اینکه کره‌ای‌ها به طور متوسط درآمد لازم برای خرید برندهای مشهورتر خودرو را دارند). حتی خودروهای تشریفات که در اغلب کشورهای جهان از نوع مرسدس بنز انتخاب می‌شوند در این کشور محصولات هیوندایی و کیاموتورز (بومی کره جنوبی) هستند.

مقابله با تولید ملی

تأکید کشورها بر تولید ملی باعث شد تا در فروردین ماه ۱۳۹۶ سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی گزارشی را با عنوان «تجارت را موتور رشدی برای همه کنیم» در برلین، پایتخت آلمان منتشر کنند.

آن‌ها اعلام کردند قاعده تجارت به عنوان محرک رشد اقتصاد جهانی به وسیله رکود در اصلاحات تجاری از اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی و افزایش حمایت از تولید داخلی پس از بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، تهدید می‌شود.

کوتاه و گویا در حمایت از کالای ایرانی

*. همان طور که اجازه ورود مشروبات الکلی به دلیل مقتضیات دینی به کشور داده نمی‌شود، اجازه ورود کالاهایی نیز که در کشور امکان تولید آن وجود دارد، داده نشود.

*. بانک‌ها امروز تسهیلات لازم را به تولیدکنندگان نمی‌دهند، چرا که ساختار داخلی شان مشکل دارد، و وقتی بانک‌ها تسهیلات گرانی به تولیدکننده می‌دهند، محصولات تولید داخل نیز گران در می‌آید.

*. از میان ده‌ها کارخانه‌ای که محصولات خانگی از جمله یخچال، تلویزیون، ماشین لباس‌شویی، اجاق‌گاز و دیگر وسایل خانگی تولید می‌کردند، شمار قابل توجهی طی یک دهه اخیر ورشکسته و تعطیل شده‌اند!

*. زمانی لباس پلیس انگلستان (اسکاتلند یارد) را یکجا یک کارخانه ایرانی تولید می‌کرد، اما امروز لباس مثلاً خدام ثامن الحجج (ع) را یکجا یک کارخانه چینی می‌دهد! نتیجه آن می‌شود که صنعت نساجی کشور در آستانه تعطیلی کامل قرار می‌گیرد. ۶۰ درصد کارخانه‌های نساجی تعطیل می‌شوند و ۴۰ درصد باقی مانده با یک سوم ظرفیت کار می‌کنند (مصاحبه امیر قدیمی نژاد؛ رئیس اتحادیه پارچه فروشان)، و همزمان سالانه ۲/۶ میلیارد دلار پوشاک قاچاق وارد کشور می‌شود و ۶۰۰ هزار شغل در صنعت نساجی از دست می‌رود. (مصاحبه امیر محمد پرهام؛ نایب رئیس اتحادیه نساجی و پوشاک).

*. اقتصاد ایران، سالیانی است که تجارت محور است. تولید، تقریباً هیچ‌گاه در اولویت اقتصاد نبوده است. برای همین است که همیشه تجار حال و روزشان از صنعتگران و بازاریان؛ و بنکداران وضعشان از کشاورزان و دامداران بهتر است. برخی در تحلیل های شان گناه تجارت محوری اقتصاد را به گردن نفت می اندازند و می گویند: نفت باعث شد که ما با فروش نفت همه چیز بخریم و لا محاله به فکر تولید نباشیم، بلکه همه اقتصادمان شامل فروش نفت و خرید بقیه کالاهاست. اما این سخن غلطی است. نفت فی نفسه یک موهبت است نه یک بلا. کشورهای دیگر هم منابع بزرگ نفتی دارند اما تولید کننده و صنعتگر شده اند و از نفت هم بهره‌ها برده اند؛ از ایالات متحده گرفته تا روسیه و انگلستان و نروژ. اگر نفت برخی کشورها را به کشور تک محصولی تبدیل کرده و در برخی دیگر به عنوان پشتوانه توسعه و تکنولوژی عمل کرده و ثروت آفریده به خاطر نوع مدیریت و برنامه ریزی آنان است نه به خاطر نفت. خطا و ناشکری بزرگی است که ثروت خدادادی را به عنوان عامل فلاکت بدانیم. همه مشکل در فقدان برنامه ریزی و اجرای درست و در یک کلام «مدیریت منابع» است. ما میلیون ها جوان توانای بیکار داریم. آیا این هم به خاطر نفت است؟ به جوانانی که می توانند هر کدام به تولید ناخالص ملی بیفزایند اما مصیبتی برای خانواده‌ها بدل شده‌اند.

*. آیا همه خطاها متوجه دولت است و مردم در این میان نقشی ندارند؟ یک آلمانی همیشه به محصول کشورش افتخار می کند. یک ژاپنی مادام که کالای ژاپنی باشد، محصول کشور دیگری را انتخاب نمی کند، نه فقط الان که محصولات ژاپنی از کیفیت مثال زدنی برخوردار است، بلکه در همان دوران دهه‌های چهل و پنجاه میلادی که رقابتگری ژاپن با غرب بسیار دشوار بود. اصلاً همان حمایت مردم ژاپن از محصولات بومی شان سبب رشد صنعت این کشور شد.

*. در میان صنعتگران ضرب المثلی است که می گویند: کسی که محصولش در بازار داخل موفق نباشد، اصلاً نباید به صادرات فکر کند. موفقیت در بازار داخل دو جنبه دارد: یک جنبه به کیفیت، تکنولوژی، زیبایی، رقابت پذیری و قیمت تمام شده محصول داخلی بر می گردد و جنبه دوم به تعصب مصرف کنندگان و خریداران کالای ملی. ما غمگنانه، یا جنبه اول را نداریم و یا کمتر داریم و در مورد جنبه دوم نیز اوضاع کاملاً برعکس است؛ تعصب به خرید کالای خارجی داریم!

*. این میل وصف ناپذیر به خرید کالاهای خارجی که هم برای مردم و هم برای مسئولان به یک پرستیژ تبدیل شده، بلایی بر سر ما آورده که حتی یک کارگر که می خواهد به دخترش جهیزیه بدهد، از خانواده داماد خجالت می کشد که یخچال ایرانی بخرد! در همین حال یک بنگاه یا نهاد دولتی یا حکومتی که می خواهد یک هتل بسازد، برایش افت دارد که از شیرآلات و سرامیک و کاغذ دیواری و لوستر ایرانی استفاده کند! مغازه دار افتخار می کند که کالای ایرانی نمی آورد، و مشتری شرم می کند که در فروشگاه محصولات ایرانی رؤیت شود!

*. بسیاری از قوانین مربوط به حوزه نظام اقتصادی اعم از بانکی، پولی، بازار سرمایه، مالیات، مالیات ارزش افزوده و گمرک، شرایط تسهیل کننده به نفع تولید و کالای ایرانی ندارد، بلکه خود مانعی پیش پای تولید هستند.

*. بر اساس تعصب ملی و دینی این فرهنگ باید ایجاد شود که مردم از کالای ایرانی مصرف کنند، اما تولید کننده در نهایت فشار به سر می برد و طی ۴۰ سال گذشته، بازرگانان و تجار نتوانستند در بازارهای صادراتی رقابت کنند؛ اکنون حتی واردات کالاهای قاچاق که ریسک بالایی دارد، مقرون به صرفه تر است!

*. در سال «حمایت از کالای ایرانی» دولت باید سایه اش را از سر اقتصاد کشور بردارد؛ حقوق مصرف کننده به رسمیت شناخته شود و مبارزه جدی و همه جانبه با قاچاق کالا، رانت و فساد در سر لوحه کار قرار گیرد.

*. در سال حمایت از کالای ایرانی، همه مردم باید به هر نحو ممکن، حتی برای مقطعی کوتاه یا متوسط هم که شده، با خرید کالای ایرانی، از تولید داخلی حمایت کنند.

*. چرا در کشور ما کالای خارجی بیشتر از کالای ایرانی مصرف می شود؟ یک قضیه اجتماعی که در کشور اتفاق افتاده و آن اینکه طبقه متوسط جامعه، طی سال های متمادی بسیار ضعیف شده و قدرت خریدشان پایین آمده است. اگر چه بخشی از همین طبقه به دلیل فضای ناسالم اقتصادی که در سال های پیش به وجود آمده، به طبقه بالاتر صعود کرده اما بخش بزرگی از این طبقه به دلیل شرایط بد اقتصادی به پایین نزول پیدا کرده اند. آنچه درباره مصرف کالا در طبقه اول جامعه از گذشته با آن روبه رو بوده ایم و اکنون نیز ادامه دارد، این است که طبقات اول (دهک های بالا) همیشه کالای ایرانی مصرف نمی کرده اند. در این بین، طبقه متوسط هم که قدرت خریدشان کاهش پیدا کرده، اصلاً قدرت خرید کالای ایرانی با قیمت بالا را ندارند، بنابراین به دنبال کالاهای ارزان ولو بی کیفیت هستند!

*. در بسیاری از کالاهای ایرانی اگر تغییرات اساسی در قیمت و کیفیت صورت نگیرد، مصرف کالای ما با مشکل مواجه خواهد شد. ضمن اینکه اگر بخواهیم شعار سال را به واقعیت تبدیل کنیم باید جذابیت کالای ایرانی را بالا ببریم و جذابیت به این است که کالای ایرانی رقابت پذیر باشد. اگر این اتفاق

نیفتد، مصرف کالای ایرانی را به سختی می توانیم اشاعه دهیم.

*. تا وقتی که فضای کسب و کار در کشور مساعد نگردد، نه سرمایه گذاری داخلی صورت می گیرد و نه سرمایه گذاری خارجی توسعه پیدا می کند و رقابت پذیری واقعی نیز اتفاق نمی افتد. ضمن اینکه بهبود فضای کسب و کار در بخش تولید، یکی از مؤلفه های بسیار مهم در تولید کالای بهتر و قیمت مناسب تر در آینده خواهد بود.

*. در یک شرایطی حتماً و باید کالای ایرانی بخریم، ولو ریاضت باشد، حتی اگر شده این کالا را گران تر بخریم باید چنین کنیم تا در آینده با دیگران برابر شویم و امیدوار باشیم با این اقدام آینده را می سازیم.

*. بخش خصوصی می تواند با نبوغ جوانان کشور، اقتصاد را پیش ببرد، از این رو یکی از عواملی که می تواند توسعه اقتصادی و اقتصاد رقابت پذیر ایجاد کند، مردمی شدن اقتصاد است.

*. در مسائل اقتصادی، یک عده کاسبان راحت طلب، عادت به رانت خواری کرده اند و تحت هر شرایطی قصد سوءاستفاده دارند. به بیانی، نبود شفافیت، مانع بزرگی بر سر راه مبارزه با فساد و رانت در کشور است.

*. مبارزه با قاچاق کالا با روش های معمول نمی تواند پاسخ مناسبی داشته باشد، زیرا حرکت های پلیسی به تنهایی این کار را متوقف نمی کند. در این باره باید یک اصل اساسی مورد توجه قرار گیرد: زمانی می توانیم اثرگذاری داشته باشیم که کالای قاچاق برای قاچاقچی غیراقتصادی شود؛ در این صورت مبارزه صورت می گیرد.

*. متأسفانه بسیاری از لوازم التحریر دانش‌آموزان ایرانی از خارج وارد می‌شود. این بدان معناست که ایرانی از کودکی می‌آموزد کالای خارجی استفاده کند!

*. در صداوسیما باید محدودیت‌های بیشتری در تبلیغات کالای‌های خارجی اعمال گردد تا رسانه ملی کار کردی ضد توسعه ملی نداشته باشد.

*. به یاد داشته باشیم که قاچاق کالا، یکی از موانع توسعه در ایران است. فرهنگ شهروندان باید به گونه‌ای تغییر کند که هر شهروند بدانند مصرف کالای قاچاق، به معنای بیکاری جوان ایرانی است.

*. به یاد داشته باشیم که مصرف کالای خارجی متضرر شدن کشور از ورود این کالاها، بیکاری چند میلیون تن از جوانان کشور، بالا رفتن خطرهای امنیتی در کشور، تعطیلی کارخانه‌ها و بروز ناهنجاری‌های اخلاقی، نارضایتی از میزان اندک حقوق و مزایا در خانواده‌های کارگران و رکود اقتصادی را در پی خواهد داشت. پس بیایید همه با هم کالای ایرانی مصرف کنیم.

*. تنها راه پیشرفت اقتصادی و خروج از اقتصاد متکی به نفت و رسیدن به اقتصادی پایدار و قابل رقابت در بازار جهانی، اصلاح صنایع تولیدی و بهبود کیفیت کالاهای داخلی است که این امر نیازمند فرهنگ‌سازی، حمایت دولت و مجلس و توجه همه اقشار جامعه است.

*. امروزه چشم و هم‌چشمی یکی از عوامل فرهنگی - اجتماعی است که در جامعه ما همه‌گیر شده که متأسفانه در جهت تمایل بیشتر به خرید کالاهای خارجی بر جامعه و خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد. فرهنگ عمومی جامعه ما این است

که کالای ایرانی کیفیت ندارد، و در هنگام خرید دو کالای مشابه، در اکثر مواقع خریداران کالای خارجی را انتخاب می‌کنند.

کاری که در این زمینه باید انجام داد این است که نسبت به جا انداختن فرهنگ خرید کالای ایرانی اقدام کنیم که در این زمینه باید از نقش بسزای گروه‌های مرجع در جامعه استفاده کنیم. زیرا نحوه خرید گروه‌های مرجع بر خرید سایر گروه‌ها و طبقات اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

*. امروزه حضور و نفوذ نوجوانان در تصمیم خرید خانوارها به عنوان هم‌خانگی به طور قابل توجهی افزایش یافته است. نخست از آن جهت که نسبت به گذشته پول بیشتری در دست این گروه از جامعه قرار دارد؛ ثانیاً نوجوانان بازار بالقوه‌ای هستند، چرا که وفاداری به برند از سنین پایین شکل می‌گیرد؛ ثالثاً این گروه سنی خریدهای خاصی دارند. در نتیجه ما باید از این موقعیت استفاده کنیم و فرهنگ خرید کالای داخلی را از این سنین به فرزندانمان بیاموزیم.

*. لازم است ادراک ما نسبت به کالاهای ایرانی عوض شود و شخصیت و عقاید ما به شکلی رقم بخورد که به این باور برسیم که خرید کالای ایرانی برابر است با افزایش تولید، افزایش اشتغال و کم شدن بیکاری جوانان و رشد اقتصادی کشور.

*. در مورد کالای ایرانی وظایف چندگانه‌ای به دوش ماست. ما باید محصولی با کیفیت جهانی تولید کنیم (مانند فرش)؛ قیمتی قابل رقابت در بازار تعیین کنیم؛ توزیعی به موقع داشته باشیم و با فعالیت‌های تبلیغاتی مناسب، خریداران را ترغیب به خرید اجناس ایرانی کنیم.

*. متأسفانه عرق ملی مصرف‌کنندگان ایرانی پایین است، در نتیجه تمایل به

خرید محصولات داخلی در ایران پایین است. این مسئله زیان‌های مختلفی را برای اقتصاد و بازرگانی کشور به وجود می‌آورد؛ از جمله:

۱. خرید کالای خارجی از سوی مصرف‌کنندگان ایرانی سبب می‌شود ارز بیشتری از کشور خارج شود؛

۲. کاهش فروش محصولات داخلی، سبب محدود شدن تولید مؤسسات صنعتی داخلی شده، در نتیجه امکان استفاده از صرف‌جویی ناشی از مقیاس برای آن‌ها وجود نخواهد داشت. این وضعیت به نوبه خود قیمت تولیدات داخلی را افزایش می‌دهد؛

۳. گرایش مصرف‌کنندگان به سمت کالاهای خارجی، سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای مصرفی بادوام و دیگر کالاهای مورد نیاز جامعه را کاهش داده و گرایش به واردات را بیشتر می‌کند؛

۴. عدم خرید محصولات داخلی، موجب ورشکسته شدن و تعطیلی مؤسسات تولیدی داخلی، در نتیجه افزایش نرخ بیکاری در کشور خواهد شد که این موضوع نیز به نوبه خود مشکلات اجتماعی - فرهنگی زیادی به وجود می‌آورد؛

۵. کاهش عرق ملی مصرف‌کنندگان نسبت به کالای ایرانی، موجب می‌شود که تولیدکنندگان داخلی اعتماد به نفس و انگیزه خود را برای تلاش در راه بهبود کیفیت و نوآوری از دست بدهند و توان رقابتی آن‌ها هر چه بیشتر کاهش یابد؛

۶. فقدان انگیزه کافی در مدیران واحدهای تولیدی به علت پایین بودن کارایی و عدم موفقیت در بازار داخلی، از میزان تلاش آن‌ها در صادراتی شدن محصولات این واحدها بکاهد؛

۷. از همه مهم‌تر اینکه بر اثر کاهش تولید داخلی، تولید ناخالص ملی و داخلی کاهش می‌یابد که در نتیجه آن، یکی از عوامل رشد اقتصادی از دست می‌رود.

* یکی از دلایل کاهش عرق ملی مصرف‌کننده در ایران را می‌توان در پایین

بودن کیفیت محصولات داخلی و مسئلهٔ ارزانی کالاهای ایرانی نیز جستجو کرد. در واقع مصرف‌کنندگان نمی‌پذیرند که دو جنس مشابه ایرانی و خارجی را به یک قیمت خریداری کنند؛ زیرا رفتار مصرف‌کنندگان بر اثر خریدهای متعدد به گونه‌ای شکل گرفته که کیفیت محصولات داخلی را همواره پایین‌تر از محصولات مشابه خارجی می‌پندارند. دلیل دیگر کاهش عرق ملی در ایران، مشکلات فزاینده بر سر راه تولیدکنندگان داخلی و روند فزایندهٔ ورود کالاهای وارداتی از طرق مختلف رسمی و قاچاق است که موجب کاهش فروش کالاهای داخلی شده است.

*. مصرف‌کنندگان ملی‌گرا به این دلیل خرید کالاهای داخلی را به مشابه خارجی ترجیح می‌دهند که معتقدند محصولات کشور خودشان از مشابه خارجی بهتر است. این اعتقاد ممکن است به دلیل برتری واقعی محصولات داخلی یا ناشی از تطابق بیشتر کالاهای داخلی با ارزش‌ها، هنجارها، سلیقه، عادت‌ها و فرهنگ مصرف‌کنندگان باشد. در صورت عدم اعتقاد مصرف‌کنندگان ملی‌گرا به برتری کالاهای داخلی، تعهد اخلاقی به مصرف کالاهای داخلی برای حمایت از اشتغال و تولید ملی، آن‌ها را به ترجیح خرید محصولات داخلی حتی اگر دارای کیفیت کمتری باشد، هدایت می‌کند.

*. تصویر ذهنی از کشور خاستگاه کالا یکی از معیارهای ارزیابی مصرف‌کننده در مورد خرید کالا است که ناشی از پدیدهٔ جهانی شدن است. در تعریف کشور خاستگاه چنین بیان می‌شود که تصویر، اعتبار و قالبی است که تجار و مصرف‌کنندگان، ضمیمهٔ محصولات یک کشور خاص می‌کنند. این تصویر، توسط یک سری متغیرها نظیر مزایا و معایب محصولات تولید شده، ویژگی‌های ملی، سابقهٔ سیاسی و اقتصادی، تاریخ و سنت‌های یک کشور خاص ایجاد می‌شود. در ایران، مصرف‌کنندگان، بسیاری از محصولات کشورهای اروپای غربی و ژاپن را محصولاتی با کیفیت بالا می‌دانند؛ دوربین ژاپنی و کفش ایتالیایی

مثال‌هایی است که اهمیت کشور مبدأ را نشان می‌دهد.

*. چیزی که ما در زمینه نقش روانی کشور مبدأ کالا باید مدنظر قرار دهیم این است که محصولات تمامی کشورهایی که امروزه دارای برند جهانی هستند در ابتدا از کیفیت و مقبولیت چندانی برخوردار نبودند، ولی با حمایت گسترده دولت و ملت آن کشورها و مبادرت بر خرید آن‌ها، موجب شد که تولیدکنندگان تشویق شده و کیفیت محصولاتشان را بهبود بخشیده‌اند. حال ما نیز باید این عمل را سرلوحه خریدهایمان قرار دهیم تا بتوانیم محصولاتی با کیفیت جهانی روانه بازار کنیم. همان‌گونه که فرش ایرانی از چنین مزیتی برخوردار است.

*. «جنس ایرانی کیفیت ندارد»، این مهم‌ترین دلیلی است که مخالفان ترجیح جنس ایرانی به مشابه خارجی آن در مخالفت خود مطرح می‌کنند. دلیل عامه‌پسندی که می‌تواند کمی فراتر از عامه را هم با خود همراه کند. دور از واقع نبودن این باور که جنس خارجی بهتر از جنس ایرانی است، و از سویی نفوذ عمیق آن در باور ایرانی‌ها، زدودن آن را از اذهان سخت می‌کند. با این همه این شبهه به ظاهر درست را می‌توان به سادگی پاسخ گفت.

نکته مهمی که از نظرها دور مانده است که از قضا چون این کالای داخلی مسیر پیشرفت را می‌پیماید و هنوز مانده تا به قله کیفیت برسد، نیاز به پشتیبانی و تأکید بر ترجیحش بر کالای خارجی وجود دارد، و اگر کیفیت این تولیدات، عالی و نسبت به مشابه خارجی آن بالاتر بود، بی‌گمان هر عقل سلیمی می‌دانست که باید ایرانی بخرد و دیگر نیازی به چنین تأکیدی نبود؛ بنابراین همه توصیه‌ها و تأکیدات بر خرید کالای داخلی با علم به این است که در بسیاری موارد کیفیت کالای خارجی بالاتر از مشابه داخلی آن است، و البته که اگر سطح کالای خارجی پایین‌تر بود، اصلاً وجهی برای این تأکیدات باقی نمی‌ماند.

*. حال سؤال دیگری پیش روی ما خواهد بود: آیا خرید کالایی که می‌دانیم کیفیت آن پایین است، عاقلانه خواهد بود؟ آیا چنین کاری، ضرر رساندن به خود نخواهد بود؟ پاسخ ساده است. گرچه در ظاهر و در کوتاه‌مدت یقیناً این امر مضر خواهد بود، اما آنچه در سال‌های اخیر مردم به آن دعوت شده‌اند، اهمیت دادن به استقلال اقتصادی کشور و توجه به آینده و نتایج بلندمدت این امر است. مردم ژاپن سال‌ها دروازه کشورشان را بر روی کالای خارجی بستند و از اجناس ژاپنی خرید کردند که اغلب موارد وصفی جز «بَنجُل» نمی‌توان بر آن نهاد، اما همین عزم ملی و تعصب جمعی این ملت، آنان را در علم و صنعت به نقطه‌ای رساند که دنیا ناچار به تعظیم در برابر آن می‌شود. یقیناً قابل انکار نیست که حمایت از تولید ملی توسط دولت (حمایت قانونی، قضایی و اجرایی) و کاهش هزینه تولید و نیز اجبار تولیدکنندگان بر افزایش کیفیت، اموری است که به موازات و حتی قبل از تشویق مردم به خرید کالای داخلی باید عملی شود.

*. احساس بی‌کیفیتی کالای داخلی، با خود بی‌کیفیتی متفاوت است. خریدار ایرانی خیلی اوقات تحت تأثیر تبلیغات منفی در مورد کیفیت تولید داخل قرار می‌گیرد. و شاید هم هنوز قضاوت ۲۰ سال پیش را در مورد کالاهای داخلی دارد. علاقه کاذب در اظهار «با کلاسی» را هم نمی‌توان در ترغیب مردم برای خرید جنس خارجی نادیده گرفت. ایرانی پیشرفت‌های خوبی در زمینه‌های مختلف داشته، اما همچنان میانی بسیاری از مردم، خرید خارجی مؤلفه‌ای برای فخرفروشی به شمار می‌رود.

*. راه مصرف کالای خارجی را مردم به خوبی می‌توانند ببندند و اگر واردکننده‌ها و قاچاق‌کنندگان محترم! با عدم استقبال خریدار مواجه شوند، کشور از این واردات بی‌رویه کالاهای خارجی، خروج ارز و روی دست ماندن تولید داخلی، نجات می‌یابد.

*. ما مردمی که در جغرافیای ایران زیست می‌کنیم؛ چه از آن دسته‌ای باشیم که فخرمان به تمدن دوهزار و پانصد ساله است و نام کوروش و داریوش از زبان‌مان نمی‌افتد و چه از آنانی باشیم که خویش را مفتخر به هویت آخرین دین آسمانی می‌دانند و گفتن شرعیات اسلامی از دهان‌شان نمی‌افتد، و چه آنانی که همزمان به فرهنگ اسلامی - ایرانی می‌بالند، نباید شیوه مصرف‌مان به فقیرتر شدن روزافزون ایران و ایرانی و سرازیر شدن ثروت‌مان به جیب بنگاه‌های سرمایه‌داری خارجی بیانجامد. نتیجه همه این ادعاها باید سرافرازی و پیشرفت ایران و ایرانی باشد.

*. ما ایرانی‌ها باید فرهنگ خریدمان را مورد بازبینی قرار دهیم و به این نتیجه برسیم که اقتصاد متکی به نفت روزی دچار ورشکستگی می‌شود و تنها راه نجات‌مان خارج شدن از این اقتصاد نفت‌محور و روی آوردن به صنعت و حضور در صحنه رقابتی بازار جهان است. ما باید هم‌اکنون که کالاهای تولید داخل‌مان کیفیت پایینی دارد از آن حمایت کنیم و در مقام مصرف‌کننده برای رسیدن به جامعه‌ای پویا و عاری از مشکلات اقتصادی در مدت زمانی چند ساله، مقداری از انتظارات‌مان بکاهیم و با حمایت از تولیدکنندگان داخلی موجب شویم تا آن‌ها بتوانند به تولید ادامه دهند و با مجهز شدن به فناوری‌های روز به کیفیت مورد قبول بازارهای جهانی دست پیدا کنند. بی‌گمان آن روز بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور مرتفع شده و توانایی رقابت در بازارهای جهانی را به دست می‌آوریم و پیشرفت اقتصادی ایران محقق شده و به یکی از قدرت‌های اقتصادی دنیا بدل می‌شویم.

*. پیشرفت اقتصادی ایران در آینده بیش از هر چیزی بستگی دارد به اینکه صنایع تولیدی و خدماتی کشور ما بتواند به استانداردهای جهانی برسد و بتواند

قدرتمندانه در صحنه رقابت حضور پیدا کند که این امر حاصل نمی‌شود مگر آنکه ما مردم ایران، کالای داخلی را باور داشته و آن را در سبد خرید خود قرار دهیم و فقط در این زمان است که مردم دنیا کالاهای ما را پذیرفته و نسبت به خرید آن‌ها اقدام می‌کنند.

*. مشخصاً ما در این سال‌ها به جامعه‌ای مصرفی تبدیل شده‌ام که دائماً مورد هجوم حملات رسانه‌ای کشورهای توسعه‌یافته قرار داریم و با اثرپذیری از تبلیغات آن‌ها حتی کالاهای بی‌کیفیت خارجی را به تولیدات مشابه داخلی ترجیح می‌دهیم!

*. کشور علاوه بر مشکلاتی که در زمینه اقتصاد و اشتغال دارد، با معضل آلودگی محیط‌زیست نیز مواجه است که حرکت به سمت تولیدات دانش‌بنیان، می‌تواند تأثیر مستقیم در حل این مشکل داشته باشد. باید اشتباهات گذشته در گسترش صنایع آلوده‌کننده محیط‌زیست را جبران کرد و تأمین بازار مناسب برای محصولات دانش‌بنیان با تحقق حمایت از کالای ایرانی، از راه‌هایی است که افزایش تولید محصولات پاک و فناورانه را به همراه داشته باشد. علاوه بر این، شرکت‌های دانش‌بنیان، ظرفیت بالایی برای ایجاد اشتغال در کشور دارند و توسعه فعالیت‌های مبتنی بر دانش نقش مهمی در ایجاد محیط کسب‌وکار به‌ویژه برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی دارد؛ چه آنکه از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان، سه برابر دولت می‌توان شغل ایجاد کرد.

*. بسیاری از کالاهای وارداتی بر مبنای نیاز واقعی جامعه ما طراحی و تولید نشده‌اند، بلکه هدف از ورود چنین کالاهایی، ایجاد نیازهای کاذب در مصرف‌کننده است. همین نیاز کاذب، بخش عمده‌ای از درآمد خانواده ایرانی را به خود اختصاص می‌دهد و از سوی دیگر، فرصت را از تولیدکننده و کارگر ایرانی

می‌گیرد.

*. نیاز دروغین به کالاهای لوکس و فوق لوکس خارجی از طبقات ثروتمند جامعه، یعنی طبقه هدفِ چنین کالاهایی آغاز می‌شود، اما به مدد ابزارهای ارتباط جمعی، رسانه‌ها و شبکه‌های ارتباطی چون ماهواره و اینترنت و غیره، کم‌کم طبقات متوسط و کم‌درآمد جامعه نیز برای تهیه کالایی که در گذشته نه‌چندان دور هیچ جایگاهی در سبد خریدشان نداشت، رغبت نشان می‌دهند و در صورت توفیق نیافتن در تهیه چنین کالایی، دچار احساس تبعیض در جامعه خواهند شد؛ احساسی که تبعات اجتماعی فراوانی بر جای می‌گذارد.

*. صداوسیما می‌تواند با تولید برنامه‌های مناسب، آگاهی مردم نسبت به کالاهای تولید داخل را بالا ببرد. بی‌گمان اگر مردم بدانند که با حمایت از تولید داخلی بسیاری از مشکلات گریبانگیر جامعه مانند بیکاری حل خواهد شد و توسعه و پیشرفت علم و فناوری سرعت بیشتری می‌گیرد، به سمت حمایت از تولید ملی حرکت می‌کنند.

*. بیماری فرهنگی برتر شناختن کالاهای خارجی نسبت به تولیدات ملی حتی در صورت برابری و برتری کیفیت کالاهای داخلی آن‌چنان بر پیکره جامعه ما نشسته که در بسیاری از موارد، تولیدکنندگان داخلی برای جلب نظر هم‌وطنان به سمت خرید کالای وطنی، دست به دامان برندهای معروف خارجی شده و با مارک‌هایی که به صورت فله‌ای تهیه می‌کنند، به اجناس خود رنگ و لعاب فرنگی می‌دهند، تا ایرانی، کالای ایرانی را در پوشش جنس خارجی خریدار باشد!

*. به منظور شکستن اسطوره کیفیت بالای کالای خارج در ذهن افراد جامعه، باید اقداماتی صورت گیرد، از جمله:

الف) نظارت بر تبلیغات و محدود کردن تبلیغات کالاهای خارجی؛
ب) بهره جستن تولیدکنندگان داخلی از ظرفیت رسانه‌ها و تکنیک‌های مناسب و به روز تبلیغاتی؛
ج) معرفی کالای ایرانی، ویژگی‌ها و قابلیت‌هایش از طریق ابزار رسانه.

*. وقتی منافع برخی مدیران در گروهی واردات کالای خارجی است، حمایت از تولید ملی معنایی ندارد.

*. طبق آمارهای رسمی، بیش از ۴ میلیون بیکار در کشور وجود دارد، که اگر فرهنگ خرید کالای ایرانی بین مردم رسوخ کند، می‌تواند زمینه اشتغال بسیاری از این افراد فراهم شود. ۴ میلیون شغل یعنی جمعیتی بالغ بر ۱۲ الی ۱۶ میلیون نفر را تحت تأثیر قرار دادن. در نتیجه هر چقدر اشتغال در کشور افزایش پیدا کند، باعث تولید ثروت، رفع فقر، کاهش آمار طلاق و سایر آسیب‌های اجتماعی است.

*. در نظر داشته باشیم که رئیس‌جمهوری امریکا (ترامپ) با شعار حمایت از کالای آمریکایی توانست نظر مردم امریکا را به خود جلب کند.

*. هم‌اکنون هر کس که وارد کشور کره جنوبی می‌شود، حق ندارد به همراه خود کالایی داشته باشد. مثلاً حتی برای تصویربرداری، حق داشتن دوربین را ندارد و باید در کره جنوبی دوربین خریداری و از آن استفاده کند!

*. ممنوعیت عملی استفاده از محصولات خارجی در دستگاه‌های دولتی، خود از عوامل حمایت از کالای داخلی است.

*. نیروی کار ارزان خارجی نیز که وارد کشور می‌شود، باعث می‌شود که علی‌رغم تولید کالای ایرانی، نتیجه‌اش اشتغال برای نیروی فعال کشور نباشد.

*. یکی از اقدامات در حمایت از کالای ایرانی این است که مالیات بر دوش واردکنندگان باشد، به‌گونه‌ای که اگر محاسبه شود مقدار مالیاتی که واردکننده می‌پردازد، بیشتر از مقداری باشد که تولیدکننده می‌پردازد؛ و این برخلاف رویه‌ای است که اکنون در کشور جاری است.

*. متأسفانه اکنون اگر کسی بخواهد کالای سرمایه‌ای وارد کشور کند، وامی که از صندوق ملی دریافت می‌کند، نرخ سودش ۸ درصد است، در حالی که وقتی تولیدکننده‌ای در داخل وامی دریافت می‌کند، نرخ سودش ۱۸ درصد است! در چنین شرایطی طبیعی است که میل به واردات بیشتر از تولید خواهد بود؛ چرا که در چنین شرایطی، ارزش افزوده‌ای که فرد از طریق واردات کسب می‌کند بیشتر از تولید است.

*. رهبر معظم انقلاب - دام‌ظله‌العالی - در بیانات خود در حرم رضوی (ع) که به نوعی نقشه راه سال را ترسیم می‌کند، فرمودند:
«واردات کالاهایی که در داخل به قدر کافی تولید می‌شوند، بایستی به صورت یک حرام شرعی و قانونی شناخته شود».

*. اگر نگاهی به تاریخ معاصر ایران بیندازیم به وضوح به مواردی برمی‌خوریم که حاکی از نگاه خاص و نافذ عالمان با بصیر در امر تولید ملی است. این امر به‌ویژه با اقدام جریان‌ساز فتوای تحریم مصرف تنباکو از سوی مرجع تقلید بزرگ آن زمان، یعنی مرحوم میرزای بزرگ شیرازی به منصفه ظهور رسید که به استعمار شرکت‌های انگلیسی و به‌ویژه شرکت معروف رژی در ایران که بازار توتون و

تنباکو را در انحصار خود گرفته بود، خاتمه داد.

*. بیش از بیست سند و متن تاریخی حاوی مواضع و فتاوای علمای اعلام به‌ویژه در تاریخ مشروطیت وجود دارد که به امر تحریم کالاهای بیگانگان و ترویج مصرف محصولات وطنی به‌طور مستقیم می‌پردازد. مبنای فقهی این موضوع را شاید بتوان قاعده نفی سبیل دانست. این قاعده از قواعد مهم فقه اسلامی و مستند به آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» [سوره نساء/۱۴۱]، است، در این آیه، شارع مقدس در مقام تشریح و قانون‌گذاری و در مقام بیان یک قاعده کلی در جامعه اسلامی است. بر اساس این قاعده، هر قرارداد و هر چیزی که سبب استیلائی کافر بر مسلم شود، منفی است؛ بنابراین، قاعده نفی سبیل، بر ادلة اولیه و احکام حکومت ناظر است. این امر در مورد معاملات و قراردادهای اقتصادی و تجاری با بیگانگان به‌ویژه کفار بسیار بارز و روشن است؛ چرا که هرگونه وابستگی اقتصادی بدون ما به ازاء مشخص در برابر آن، موجبات وابستگی سیاسی و حاکمیتی را فراهم می‌آورد.

*. شهید مطهری یکی از اهداف اسلام را نفی سبیل کفار دانسته و آن را به واسطه دسترسی به اقتصاد سالم، قابل تحقق می‌داند و می‌نویسد:

«از نظر اسلام، هدف‌های اسلامی بدون اقتصاد سالم، غیرقابل تأمین است. اسلام می‌خواهد که غیرمسلمان بر مسلمان تسلط و نفوذ نداشته باشد. این هدف هنگامی میسر است که ملت مسلمان در اقتصاد نیازمند نباشد و دستش به طرف غیرمسلمان دراز نباشد، و الا نیازمندی ملازم است با اسارت و بردگی، ولو آنکه اسم بردگی در کار نباشد. هر ملتی که از لحاظ اقتصاد دستش به طرف ملت دیگر دراز باشد، اسیر و برده اوست.»^۱

۱ - نظری به نظام اقتصادی اسلام، مرتضی مطهری، صدرا، ۱۳۶۸.

*. یکی از آثار مهم حمایت از تولید ملی (کالای ایرانی)، استقلال اقتصادی است؛ چه آنکه اگر از تولیدات خود حمایت کنیم و از جهت اقتصادی به کشورهای بیگانه وابسته نگردیم، زمینه مساعدی برای تقویت و گسترش استقلال سیاسی ما فراهم خواهد شد. واقعیت آن است که امروز کشورهای متکی به استقلال اقتصادی خود، می‌توانند از موضع سیاسی مستقل خویش در مجامع بین‌المللی دفاع کنند؛ اما اگر کشوری از لحاظ اقتصادی وابسته به کشورهای دیگر باشد، از لحاظ سیاسی هم تحت تأثیر وضعیت اقتصادی خود، بخت چندانی در استقلال رأی مؤثر نخواهد داشت.

*. از دیگر آثار گسترش تولید ملی، بهبود سطح زندگی مردم است؛ زیرا با رونق تولید در کشور، نرخ بیکاری کاهش یافته و سطح زندگی کسانی که به بخش تولید وابسته‌اند بهبود خواهد یافت. بهبود سطح زندگی عمومی در جامعه، به نوبه خود، به گسترش خودباوری جمعی می‌انجامد؛ گسترش خودباوری ملی، از جهات فرهنگی، اخلاقی و تربیتی آثار مهمی را در پی خواهد داشت. بهترین مثال در این زمینه توسعه صورت گرفته در بحث فناوری هسته‌ای است. در این چند سال کشور ما به پیشرفت‌های قابل توجهی در این عرصه مهم رسیده است. واقعیت آن است که به دلیل خودباوری شکل گرفته پیرامون مسئله و به دلیل آنکه مردم به صورت یکپارچه و متحد از این فناوری ارزشمند حمایت می‌کنند، مجموعه تحریم‌ها و تهدیدها و موانعی که بر سر راه کشور از طرف بیگانگان ایجاد شده، راه به جایی نخواهد برد.

*. از آثار گسترش تولید ملی، کمک به نیازمندان است؛ چه آن‌هایی که در کشور ما زندگی می‌کنند و چه آن‌هایی که در سایر کشورها. در واقع حمایت از تولید ملی، به ارتقای سطح توسعه و پیشرفت در کشور می‌انجامد؛ پیشرفتی که بر اساس اندیشه انقلاب اسلامی، می‌تواند به گسترش هر چه بیشتر حمایت از

مظلومان و مستضعفان بیانجامد. نیز قابل توجه است که بدانیم، عالمان یکی از مصارف زکات را تألیف قلوب معرفی می‌کنند؛ یعنی زکات را می‌توان برای تألیف قلوب در اختیار فقیر غیرمسلمان قرار داد که در بسیاری از مواقع، با نتیجه این تألیف قلوب، تمایل ایشان به اسلام خواهد بود.

*. یکی دیگر از آثار گسترش تولید ملی، کاهش جرم و جنایت و بزهکاری‌های اجتماعی است؛ زیرا در سایه گسترش تولید ملی، سطح اقتصادی بالاتر می‌رود و وضعیت زندگی مردم بهبود می‌یابد. جامعه‌شناسان بر این عقیده‌اند که نتیجه طبیعی کاهش فقر، کاهش جرم و جنایت، سرقت، معضلات و بزهکاری‌های اجتماعی است. همچنین در چنین شرایطی است که شاهد کاهش فسادهای اخلاقی و مشکلات فرهنگی خواهیم بود.

*. از آثار دیگر گسترش تولید ملی، تبدیل نظام اسلامی به الگویی برای دیگر کشورهای جهان است. در واقع فرایند تولید ملی و حمایت از کالای ایرانی، که خودباوری و استقلال اقتصادی است، ثبات و آرامش را در جامعه تزریق می‌کند که باعث الگو شدن این نظام در جهان خواهد شد.

*. گسترش تولید ملی، نیز به مبارزه با تهاجم فرهنگی مدد می‌رساند؛ چرا که بسیاری از مفاهیم نادرست و بعضاً مستهجن در مسیر تبلیغ کالاهای خارجی، که در فرهنگ ما ضدارزش تلقی می‌شود، هنگام استفاده از آنها، به جوانان ما منتقل می‌شود و در واقع این ساده‌انگاری است که گمان بریم کالاها حایز جنبه فرهنگی نیستند.

*. از دیگر آثار حمایت از کالای ایرانی، جلوگیری از تجمل‌گرایی و کاهش علاقه به خرید کالاهای لوکس و غیرضروری است. واقعیت آن است که جریان

تولید کالا در غرب نوعی مصرف‌گرایی لجام‌گسیخته را تعریف می‌کند که در بسیاری از مواقع با نیازهای واقعی مورد انتظار از خرید کالا ارتباطی ندارد. در واقع این سیستم منجر به آن می‌شود که ذهن آدمی، پیوسته خود را در معرض نیاز به کالاهای جدید ببیند و این نیاز مرتباً در وی تحریک شود. طبعاً در چنین وضعیتی، بخشی از سرمایه‌مّلی برای خرید کالاهایی صرف می‌شود که مورد استفاده نیست و حاصل فرهنگ مصرف‌گرایی افراطی است.

*. در شرایط فعلی، ایران تنها کشوری نیست که نهضت حمایت از کالای داخلی را به راه انداخته است. بسیاری از کشورهای اروپایی و حتی امریکا در سال‌های اخیر شاهد قدرت‌گیری جریان‌های مّلی‌گرا بوده‌اند. ترامپ و جریان حامی او بارزترین نمونه‌اند. خروج از پیمان پاریس، افزایش نرخ تعرفه واردات محصولات از اروپا و چین و ساخت دیوار حایل آمریکا و مکزیک، ذیل حمایت از تولید داخلی امریکا قابل تفسیر است. خروج انگلیس از اتحادیه اروپایی، تمایل آلمان برای جدایی از آن و بطور کلی پیش‌بینی کارشناسان مبنی بر گسست اتحادیه اروپا، رشد جریان راست در فرانسه، هلند، سوئد و آلمان و دغدغه دولت رفاه در این جریان‌ها نشان می‌دهد که مسئله مّلی‌گرایی که یک بُعد آن در حوزه مسائل اقتصادی است، در غرب نیز جدّی است.

*. مجاهد شهید حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمد تقی بافقی (ره) در تمامی طول عمر نورانی خود جز لباس کرباس و قدک اصفهان و یزد نپوشید. حتی عمامه اش هم کرباس بود.^۱ وی هرگز ظروف چینی و بلور خارجی استفاده نکرد و در منزلش جز ظروف مسی و سفالین پیدا نمی‌شد.^۲

۱- پایگاه اطلاع‌رسانی تولید ایرانی.

۲- پایگاه اطلاع‌رسانی تولید ایرانی.

* قبل از انقلاب، در فصل زمستانی در خدمت آقای بهشتی به منزلشان رفتیم.

هوا سرد بود. حین صحبت دریافتیم بخاری ایشان، که بخاری ایرانی بود اشکالی پیدا کرده و وی سعی می‌کرد اشکال آن را برطرف کند. ایشان وقتی نظر ما را در مورد ضرورت خرید یک بخاری خارجی شنید، گفت: این‌ها که می‌گویید درست ولی من مقید هستم از بخاری ایرانی استفاده کنم، و با همه اشکالاتی که دارد این بخاری را برای استفاده بر بخاری خارجی ترجیح می‌دهم.

* حضرت امام خمینی (ره)، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، درباره شهید آیت الله سید حسن مدرس می‌فرماید: «در آن وقت لباس کرباس ایشان زبانزد بود؛ کرباسی که باید از خود ایران باشد، می‌پوشید».

* مهندس قربانی، مدیر کارخانه خودکار کیان با روحیه ای جهادی به دنبال خودکفایی کشور و نه فقط مونتاژ صرف است. برخلاف خیلی از مدیران، علاقه‌ای به کت و شلوار پوشیدن نداشته و لباس کارگری همانند سایر کارگران کارخانه می‌پوشد. علاقه‌ای به دفتر و میز کار هم نداشته و وقت خود را در خط تولید و بین کارگران می‌گذراند.

تولید خودکار کیان که از لحاظ کیفیت نوشتار و مواد اولیه و قیمت، با تمام مدل‌های خارجی رقابت می‌کند حاصل زحمات اوست. برای یک بار هم که شده از این خودکار استفاده کنید و اطمینان داشته باشید که پشیمان نمی‌شوید.

* زمانی که تاریک فکرانی نظیر تقی‌زاده، فراماسونر و از رهبران مشروطیت آشکارا اعلام می‌کند: «ما برای این که به دول راقیه جهان (یعنی کشورهای پیشرفته) برسیم باید تا می‌توانیم کالاهای اجنبی را وارد کنیم» یا «برای این که توسعه پیدا کنیم باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی مآب شویم» نتیجه چنین

تفکراتی سبب کنده شدن ریشه‌های تولید و توسعه کالای ایرانی شده، ویروس و آفت ملی کشور، آن هم طی دهه‌های طولانی می‌شود.

*. خود مسئولان باید از کالاهای ایرانی نه تنها استفاده کنند بلکه به آن تفاخر کنند و به جای انتقاد، در جهت افزایش کیفیت آن کمک کنند. مهاتما گاندی پس از اتمام تحصیلات عالی به هند برگشت، لباس تولید انگلیس را کنار گذاشت و لباس هندی پوشید و در جهت استقلال اقتصادی و سیاسی کشورش کوشید و موفق شد.

*. بخش کشاورزی از بخش‌های مهم اقتصاد کشور است که به خصوص در شرایط تحریم برای حفظ استقلال و مقابله با تهدیدهای احتمالی نقشی حیاتی و تعیین کننده دارد. با توجه به شرایط سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی در قبال کشورهای سلطه‌گر، امنیت غذایی آن از اهمیت خاص و استثنایی در بین کشورهای جهان برخوردار است. از سوی دیگر ظرفیت‌های مختلف و متعدد کشاورزی کشور، امتیاز بزرگی در مقایسه با کشورهای منطقه و بسیاری از کشورهای حاشیه خلیج فارس به رغم داشتن منابع عظیم نفت و گاز به شمار می‌رود.

یکی از ظرفیت‌های مهم کشاورزی جمهوری اسلامی برخورداری از برخی از محصولات و کالاهای کشاورزی مانند پسته و زعفران است که در نوع خود در دنیا بی نظیر یا کم نظیرند. منطقی است که از این توانمندی‌ها به خوبی حفاظت شده، پایدار گردیده و به کمک فناوری‌های متناسب علمی گسترش مناسب یافته، ظرفیت‌های صادراتی و ارزآوری آن‌ها هر چه بهتر شکوفا گردد.

*. به‌راستی چرخیدن چرخ کارخانه‌های داخلی و لبخند رضایت کارگر ایرانی را با چه چیزی می‌توان معاوضه کرد؟! در این میان مسلمانانی هستند که هرچند

ایرانی نبوده‌اند اما گوی سبقت را در پیروی از سخنان رهبرمان از ما ربوده‌اند. به عنوان مثال فاطمه اتسکوهوشینو، شهروندی ژاپنی است که بعد از تشریف به دین اسلام و ازدواج، پنج سال است در ایران ساکن شده. وی علاوه بر وسایل خانگی ایرانی که دارد، می‌گوید اهل تجمل و وسایل غیرضروری خریدن نیست و حتی حاضر شده تلفن همراه قدیمی‌ترش را که هنوز خوب کار می‌کرده با آخرین مدل تلفن همراه یک شرکت ایرانی جایگزین کند تا کمک بیشتری به تلفن‌های همراه ایرانی کرده باشد.

*. به گزارش پایگاه خبری «مشرق»، یک فعال فضای مجازی با اشاره به اقدام شهید ربیع قصیر، از شهدای حزب الله که در لبنان ازدواج کرد اما تمام جهیزیه همسرش را از ایران خرید و پول بار هواپیما برای انتقال به لبنان را هم داد تا پول شیعه در اقتصاد شیعه بگردد، در توئیترش نوشت: آیا ما باز هم توجیهی برای خرید کالای خارجی خواهیم داشت؟!

*. وحید یامین پور نویسنده جوان و ارزشی کشور به خاطره جالب و عبرت آموزی در زمینه حمایت از کالای ایرانی توسط شیعیان جهان و علاقه مندان واقعی جمهوری اسلامی از جمله توسط دانشجویان لبنانی اشاره می‌کند: حدود پانزده سال پیش که برای اولین بار جهت شرکت در یک همایش دانشجویی به لبنان سفر کرده بودم، یک روز برای ناهار مهمان بچه‌های حزب‌ا... بودم، ولی ناهار به شکل غیرمعارفی دیرتر از وقتش آماده شد. به شوخی پرسیدم: چی شده ما رو گرسنه نگه داشتید؟ گفتند: ناهار آماده بود ولی هر جا برای نوشابه رفتیم، زمزم پیدا نکردیم! تعهد داشتند به جای پپسی و کوکا و سایر محصولات دیگر، نوشابه ایرانی مصرف کنند.

*. دل نوشته یک دختر ازبکستانی: ما می‌خواهیم ایران پیشرفت اقتصادی و

فرهنگی کند؛ حتی ما خارجی‌ها سعی می‌کنیم در کشورمان کالای ایرانی بخریم؛ اگر پیدا نکردیم مجبور به خرید کالای خارجی می‌شویم. من به ایرانی‌ها توصیه می‌کنم برای رشد اقتصادی و فرهنگی خود کالای ایرانی بخرید!

*. بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و امریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشمداشت به غیر خود نداشته باشد، در دراز مدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد. و آنچه انسان‌های شبیه به اینان به آن رسیده‌اند شما هم خواهید رسید به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس، و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب.^۱

*. بر دولت‌ها و دست‌اندرکاران است، چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمک‌های مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف‌ساز و خانه برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند.^۲

*. ما اگر خودمان یک امر ناقص هم داشته باشیم، بهتر از این است که پیش دشمنان دست دراز کنیم و یک امر کامل از آن‌ها بگیریم. من متأسفم از اینکه ما پیش دشمن‌هامان باید برویم و اظهار احتیاج بکنیم.^۳

منابع:

- جستاری کوتاه بر ریشه‌های یک حکم: چرا واردات کالاهای مشابه به

۱ - صحیفه امام، امام خمینی، ج ۲۱، ص ۴۱۷.

۲ - صحیفه امام، امام خمینی، ج ۲۱، ص ۴۱۷.

۳ - امام خمینی، ۱۱ آبان ۵۸.

- داخلی حرام؟، علی‌اکبر کریمی، www.khmenei.ir
- بایدها و نبایدهای حمایت از کالای ایرانی، امید رامز www.moshregghnews
- بررسی عوامل مؤثر بر تصمیم خرید کالای ایرانی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی ایران در آینده، جواد رادمهر
- حمایت از کالای ایرانی و اثری که در رشد اقتصاد دانش‌بنیان دارد، www.sarmayedar.com
- کالای ایرانی، ضامن تثبیت فرهنگ ایرانی، زهرا چیدری، www.borhan.ir
- ۱۶ گامی که دولت باید در جهت حمایت از کالای ایرانی بردارد، www.fa.alam.ir
- آثار گسترش تولید ملی، دکتر محمود ملکی، www.rasekhoon.net
- ۱۰ وظیفه نهادهای دولتی و حاکمیتی در حمایت از کالای ایرانی، سیدهادی رهگشای، www.moqavemati.net
- حمایت از کالای ایرانی نیازمند عزم ملی است، www.radiopayam.ir
- یادداشت سردبیر: حمایت از کالای ایرانی، علیرضا خانی، سه‌شنبه ۱۴ فروردین ۱۳۹۷
- حمایت از کالای ایرانی از مسئولان شروع شود، www.farsnews.com
- رئیس اتاق ایران اعلام کرد: شروط ویژه حمایت از کالای ایرانی، که خبر ۷۸۶۹۲۲، ۱۵ فروردین ۱۳۹۷، www.tabnak.ir
- <https://zist.ir/blog/700>